

به نام پروردگار مهربان



ویرایش جدید



زبان جامع

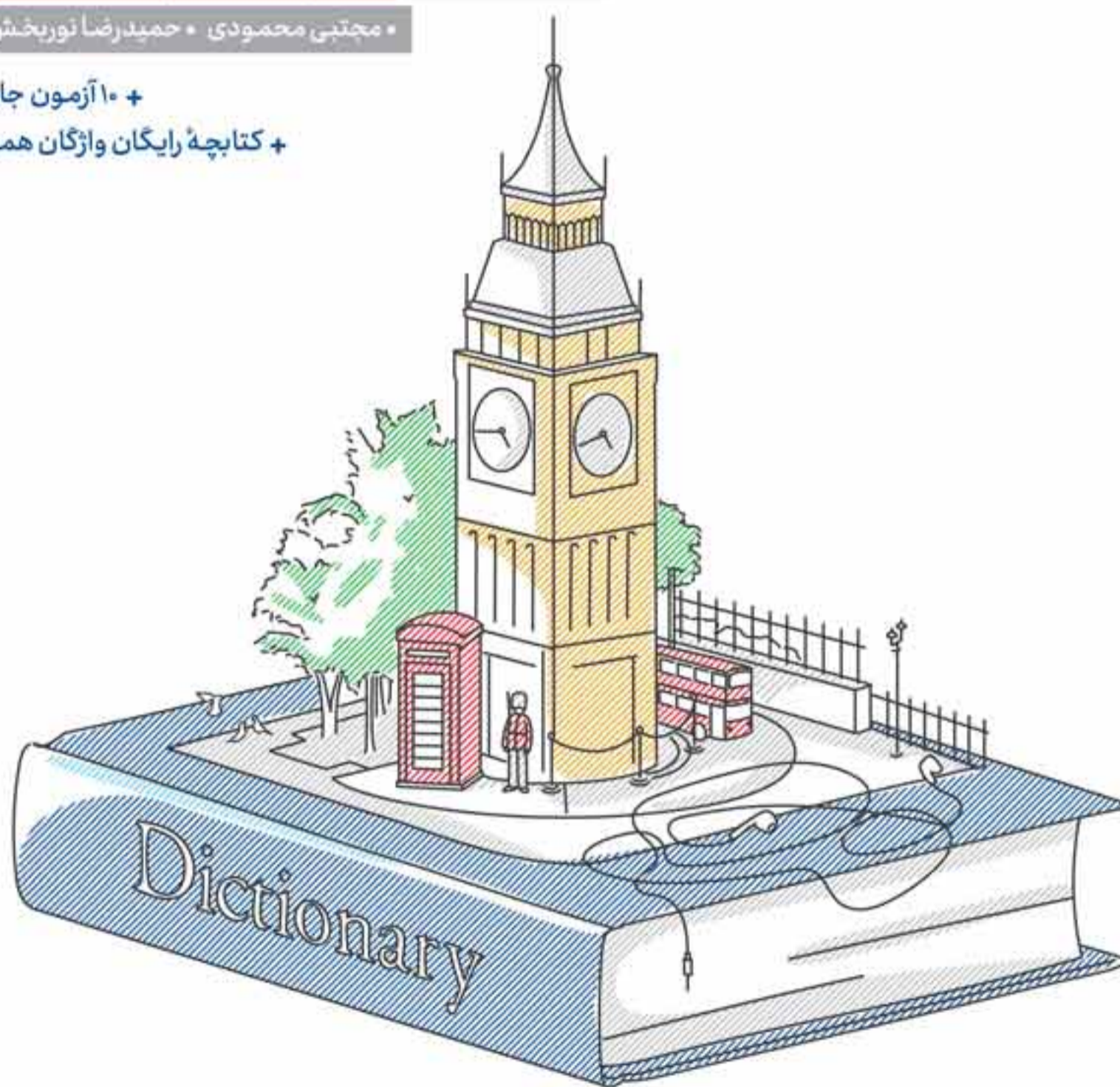
دهم، یازدهم و دوازدهم

Vision 1-3

• مجتبی محمودی • حمیدرضا توریخیش

+ ۱۰ آزمون جامع

+ کتابچه رایگان واژگان همراه



مقدمه

تا به حال چند بار جمله زیر را خوانده‌اید:

«ما این ادعا را داریم که بهترین کتاب کنکور را برای درس ... نوشته‌ایم.»

بر خلاف جمله بالا، ما چنان ادعایی نداریم (شاید بی ادعا بودن، خود بزرگ‌ترین ادعاست) و اعتقادمان این است که بهترین قضاوت‌کنندگان، معلم‌ها و دانش‌آموزان عزیز هستند که بهتر از هرکسی می‌دانند کدام کتاب بهتر است. در تک‌تک لحظات تألیف این کتاب و در یکایک کلمات این کتاب، ردپای عشق به دانش‌آموزان میهن عزیزمان به چشم می‌خورد. تلاش شبانه‌روزی ما، خود گواه این مدعاست.

در تألیف این کتاب سعی کرده‌ایم درس‌نامه‌ها روان باشند، اضافه‌گویی نکرده باشیم، تست‌ها استانداردسازی شده باشند، پاسخ‌های تشریحی کامل و مفید باشند، آزمون‌ها به سبک کنکور سراسری باشند و ... بقیه کار را به شما می‌سپاریم تا با تمام وجودتان مطالعه این کتاب را آغاز کنید و با پیشرفت کردن و کسب مدارج عالی، لبخند رضایت روی لبانتان نقش ببندد.

معرفی کتاب و بخش‌های آن

■ **درس‌نامه گرامر:** در درس‌نامه‌های گرامر هر آنچه را که برای کنکور نیاز دارید، با زبانی ساده و شیرین آموزش داده‌ایم. برای اطمینان، بعد از آموزش هر مبحث گرامری، چند تست آورده‌ایم تا با کاربرد آن نکات در تست‌ها نیز آشنا شوید.

■ **۱۰۰:** در این بخش به توضیح مطالبی پرداخته‌ایم که به طور مستقیم در کتاب درسی نیامده است ولی در تمرین‌ها و جملات کتاب وجود دارند و یا نکاتی هستند که به راحتی نمی‌شود از آن‌ها چشم‌پوشی کرد. (مانند حذف ضمیر مفعولی در درس ۲ سال دوازدهم) با خواندن این بخش خیالتان راحت خواهد شد که هیچ نکته‌ای وجود ندارد که شما بلد نباشید و یا حتی بیشتر از طراح می‌دانید.

■ **درس‌نامه واژگان:** تمام واژگان کتاب درسی و کتاب کار هر درس را به صورت جلسه‌بندی شده آموزش داده‌ایم. برای هر واژه یک مثال آورده‌ایم و هم‌چنین تمام موارد مربوط به هر واژه (مانند معنی دوم و سوم، مترادف، متضاد، هم‌خانواده، هم‌نشین و ...) را به طور کامل بررسی کرده‌ایم.

■ **درس‌نامه ریدینگ:** پیش از پاسخ‌گویی به سؤالات درک مطلب باید با تکنیک‌ها و مهارت‌های متن‌خوانی آشنا باشید. تمامی این تکنیک‌ها و مهارت‌ها را به همراه تحلیل تست‌های آموزشی کنکورهای سراسری سال‌های اخیر، در این درس‌نامه خواهید یافت. به جرأت می‌توانیم بگوییم که این درس‌نامه کامل‌ترین و جامع‌ترین درس‌نامه ریدینگ است.

■ **کلوز تست:** برای هر درس حداقل ۵ کلوز تست آورده‌ایم. در طرح این کلوز تست‌ها، چند نکته مهم را رعایت کرده‌ایم:

۱. سؤالات واژگان از همان درس باشند.

۲. سؤالات گرامر از همان درس باشند.

۳. سبک و سیاق تست‌ها شبیه به کنکورهای اخیر باشد.

۴. تناسب بین تست‌های واژه و گرامر با توجه به تغییرات کنکورهای اخیر، هماهنگی داشته باشد.

■ **درک مطلب:** یکی از نقاط قوت این کتاب، تست‌های درک مطلب است. به طور مثال در سال دوازدهم برای هر درس، ۵ درک مطلب طرح شده که از همه نظر (سبک سؤال، بلندی گزینه‌ها، سختی و دشواری متن، تعداد واژگان هر متن، موضوع متن و...) با کنکورهای سال‌های اخیر مطابقت دارند. به شما اطمینان می‌دهیم که بعد از تحلیل این درک مطلب‌ها، پیشرفت چشم‌گیری در این زمینه خواهید داشت.

■ **تست‌های سطح‌بندی شده:** یکی از دشوارترین بخش‌های تألیف، سطح‌بندی تست‌ها است. تمامی تست‌های گرامر، واژگان کلوز تست و ریدینگ از ساده به دشوار مرتب شده‌اند. تست‌های ۶۰٪: این تست‌ها صرفاً جنبه آموزشی دارند و با پاسخ دادن به آن‌ها فرایند یادگیری کامل می‌شود. تست‌های ۸۰٪: این تست‌ها نقش تست‌های جامع را دارند و شما را برای کسب درصد ۸۰ آماده می‌کنند. در بین این تست‌ها نکات جدیدی را یاد خواهید گرفت که در افزایش تسلط شما نقش مهمی را ایفا می‌کنند. تست‌های ۱۰۰٪: اگر به دنبال کسب درصد ۱۰۰ هستید، باید خودتان را با این تست‌ها محک بزنید. در طرح این تست‌ها، از ریزه‌کاری‌هایی استفاده کرده‌ایم که می‌تواند دقت و اطلاعات شما را به چالش بکشد.

■ پاسخ‌های تشریحی:

در پاسخ‌نامه تشریحی گرامر هر ۴ گزینه را برای شما تحلیل کرده‌ایم. در بخش واژگان نیز نکات مهم و کاربردی را توضیح داده‌ایم. چنین روندی در پاسخ تشریحی کلوز و ریدینگ هم وجود دارد که از ویژگی‌های این کتاب است.

■ آزمون‌های جامع:

در انتهای کتاب ۷ آزمون جامع از کنکورهای اخیر آمده است. حتماً این آزمون‌ها را تحلیل کنید.

تشکرنامه

- متشکریم از آقای احمد اختیاری، مدیریت انتشارات مهروماه به خاطر اعتماد و نظرات ارزشمندشان.
- خانواده‌هایمان مهم‌ترین نقش را در طول تألیف این کتاب بازی کردند که بسیار به آن‌ها مدیون هستیم.
- جناب آقای محمد سهرابی که در ویرایش کتاب، کمک شایانی به ما کردند.
- از تیم تولید، ویراستاری و هنری بی‌نظیر مهروماه، سرکار خانم‌ها سمیه حیدری مسئول ویراستاری، سمیرا سیاوشی مدیر تولید، صفحه‌آرای کتاب، خانم لیلا سهرابی و تیم خلاق واحد هنری و تک‌تک عزیزانی که به هر نحو سهمی در تولید این کتاب داشتند.

لبخندتان الهام‌بخش وجود ماست.
مجتبی محمودی - حمیدرضا نوربخش

فهرست

پاسخ	سؤال		
		Vision 1	
۳۰۲	۸	Saving Nature Chapter 1	
۳۱۲	۳۴	Wonders of Creation Chapter 2	
۳۲۳	۵۹	The Value of Knowledge Chapter 3	
۳۳۳	۸۱	Traveling the World Chapter 4	
		Vision 2	
۳۴۳	۱۰۶	Understanding People Chapter 1	
۳۵۶	۱۳۶	A Healthy Lifestyle Chapter 2	
۳۶۹	۱۶۴	Art and Culture Chapter 3	
		Vision 3	
۳۸۲	۱۹۴	Sense of Appreciation Chapter 1	
۳۹۸	۲۳۴	Look it Up! Chapter 2	
۴۱۵	۲۶۶	Renewable Energy Chapter 3	

برای مشاهده و دریافت سوالات آزمون سراسری ۹۹
به همراه پاسخنامه، این کد را اسکن کنید.





گرامر

Grammar

زمان آینده

این مثال‌های فارسی را بخوانید:

۱ در آینده دکتر خواهم شد.

۲ قرار است هفته آینده باران ببارد.

۳ قصد داریم سال بعد به اسپانیا برویم.

بعد از خواندن سه مثال بالا متوجه می‌شویم که زمان این جمله‌ها آینده است. در زبان انگلیسی برای بیان عملی که در زمان آینده رخ می‌دهد، می‌توانیم از «فعل ساده + will» و یا «فعل ساده + be going to» استفاده کنیم. هر کدام از این دو ساختار کاربردها، نکات و تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

زمان آینده با will

یکی از روش‌ها برای بیان زمان آینده، استفاده از will است که ساختار آن به شکل زیر است:

ادامه جمله + فعل ساده + will / 'll + فاعل

e.g. We will visit a museum next week.

هفته آینده از یک موزه دیدن خواهیم کرد.

💡 will را می‌توان به شکل مخفف «ll» نوشت.

e.g. I'll travel to Spain next year.

سال آینده به اسپانیا سفر خواهم کرد.

ساختار منفی

برای منفی کردن زمان آینده، not را بعد از will به کار می‌بریم.

ادامه جمله + فعل ساده + will + not / won't + فاعل

e.g. I will not win the match.

من مسابقه را نخواهم برد.

💡 will not را می‌توانیم به شکل مخفف «won't» بنویسیم.

e.g. I won't read that book.

آن کتاب را نخواهم خواند.

ساختار سؤالی

برای سؤالی کردن، کفایت will را قبل از فاعل قرار بدهیم.

? ادامه جمله + فعل ساده + فاعل + Will

e.g. Will you lend him the book?

آیا آن کتاب را به او قرض می‌دهی؟

ساختار سؤالی با کلمات پرسشی

برای سؤالی کردن با استفاده از کلمات پرسشی (How, Who, Why, Where, When, What, ...) باید کلمات پرسشی را ابتدای جمله، بعد از آن will و سپس فاعل را بیاوریم.

? ادامه جمله + فعل ساده + فاعل + will + کلمه پرسشی

e.g. When will the tourists visit Shiraz?

توریست‌ها چه زمانی شیراز را خواهند دید؟

💡 اگر کلمه پرسشی درباره فاعل سؤال کند، فاعل را حذف می‌کنیم.

e.g. Who will visit Shiraz next summer?

چه کسی تابستان آینده از شیراز دیدن خواهد کرد؟

کاربردهای will

در موقعیت‌های زیر از زمان آینده با will استفاده می‌کنیم:

۱ تصمیم‌گیری لحظه‌ای (آنی):

e.g. I'm thirsty. I will buy a drink.

من تشنه هستم. یک نوشیدنی خواهم خرید.

(در این مثال، فرد تشنه است و همین‌الآن تصمیم به خرید نوشیدنی می‌گیرد، بنابراین باید از will استفاده کنیم.)

۲ پیش‌بینی براساس نظر شخصی:

e.g. I think it will rain tomorrow.

فکر کنم فردا باران خواهد آمد.

(در این مثال، هیچ نشانه‌ای برای باریدن باران وجود ندارد و فرد براساس نظر خودش بیان می‌کند که فردا باران می‌بارد، بنابراین ساختار will به کار می‌رود.)



حروف اضافه

بعد از حروف اضافه (at, to, on, in, ...) اسم می آید:
فردا به آفریقا سفر خواهم کرد.

e.g. Tomorrow I will travel to Africa.
اسم اضافه

صفت

بعد از صفت اسم به کار می رود.
او یک خانه گران قیمت دارد.

e.g. She has an expensive house.
صفت اسم

وابسته‌ها

بعد از وابسته‌هایی مثل (a little, little, a few, few, many, much, lots of, a lot of, some, ...) اسم به کار می رود.

e.g. I have some money.
اسم وابسته

من مقداری پول دارم.

e.g. There is a little sugar in the coffee.
اسم وابسته

مقداری شکر در قهوه وجود دارد.

3. This is low mountain, but mountains are high.

1) a/this

2) a/those

3) an/this

4) an/those

پاسخ: گزینه ۲ بعد از نقطه چین اول، اسم مفرد mountain به کار رفته، بنابراین باید نقطه چین را با a/an کامل کنیم. چون low با حرف صددار شروع نشده است باید از a استفاده کنیم. (حذف گزینه‌های «۳» و «۴») بعد از نقطه چین دوم، اسم جمع mountains به کار رفته و به همین دلیل گزینه «۱» حذف می شود، چون this با اسم مفرد به کار می رود.

جمع بستن اسم‌های مفرد

۱ بیشتر اسم‌های مفرد با اضافه کردن s به آخر آن‌ها جمع بسته می شوند.

a boy → two boys	a girl → two girls
a pen → five pens	a door → four doors

۲ برای جمع بستن اسم‌هایی که به حروف "o, sh, ch, ss, s, x" ختم می شوند، به انتهای آن‌ها es اضافه می کنیم.

a box → two boxes	a bus → three buses
a glass → four glasses	a church → five churches
a brush → six brushes	a tomato → seven tomatoes

۳ اگر اسم مفرد به y ختم شود و قبل از آن حرف صددار باشد، هنگام جمع بستن y به i تبدیل می شود و به جای s، es می گیرد.

a day → two days	a baby → two babies
------------------	---------------------

۴ اسم‌های مفردی که به f یا fe ختم می شوند، در موقع جمع بستن f یا fe به ves تبدیل می شود.

a wife → two wives	a loaf → five loaves
a knife → three knives	a shelf → six shelves
a wolf → many wolves	a thief → seven thieves
a life → many lives	a half → two halves

۵ برای جمع بستن بعضی از اسم‌ها، قاعده خاصی وجود ندارد و باید شکل جمع آن‌ها را حفظ کنید.

a child → two children	a man → three men
a woman → four women	a mouse → five mice
a tooth → six teeth	a foot → seven feet
a person → many people	bacterium → many bacteria



واژگان

Vocabulary

جلسه اول

1. endangered (adj.) / endanger (v.)

در معرض خطر / به خطر انداختن

syn at risk | unsafe | unprotected.

Elephants are actually **endangered** in east Africa

در واقع فیل‌ها در آفریقای شرقی در معرض خطر هستند.

2. alive (adj.)

زنده

syn having life | living **opp** dead

It was a bad accident, they are lucky to be **alive**

تصادف بدی بود، آن‌ها خوش‌شانس هستند که **زنده** ماندند.

3. increase (v.) (n.)

۱- افزایش دادن ۲- افزایش یافتن ۳- افزایش

syn enhance | rise **opp** decrease | reduce

The population **increased** dramatically in the first half century.

جمعیت به‌طور چشمگیری در نیمه اول قرن **افزایش** یافت.

4. hear (v.)

شنیدن

She had never been **heard** to complain.

از او هرگز شکایتی **شنیده** نشده بود.

5. protect (v.) / protection (n.) / protective (adj.)

حفاظت کردن / حفاظت / محافظت‌کننده

syn defend

She kept her money **protected** in a safe.

او از پول‌هایش در یک گاو صندوق **محافظت** می‌کرد.

6. for example / example (n.)

برای مثال / مثال

Many, like Hilda, **for example**, come from a very poor background.

خیلی‌ها **برای مثال** هیلدا، وضعیت [خانوادگی] ضعیفی دارند.

7. Earth (n.)

زمین

The pilot brought the plane back to the **Earth**.

خلبان هواپیما را به **زمین** برگرداند.

8. forest (n.)

جنگل

a tropical forest

یک جنگل استوایی

syn jungle | woods

Tropical **forests** used to cover 10% of the earth's surface.

سابقاً **جنگل‌های** استوایی ۱۰٪ از سطح زمین را پوشانده بودند.

9. destroy (v.) / destruction (n.) / destructive (adj.)

خراب شدن / خرابی / مخرب

opp build

The school was completely **destroyed** by fire.

مدرسه به طور کامل به وسیله آتش **تخریب** شد.

10. die out (phr. v.) / die (v.) / death (n.) / dead (adj.)

منقرض شدن / مردن / مرگ / مرده

The population of tigers in Iran is in danger of **dying out**.

جمعیت ببرها در ایران در خطر **انقراض** است.

11. pay attention (v.)

توجه کردن

attention (n.)

توجه

I'm sorry, I wasn't **paying attention** to what you were saying.

متأسفم، من **توجهی** به آنچه تو گفتی نداشتم.

12. natural (adj.)

طبیعی

Death is a **natural** event which you have to accept.

مرگ یک رویداد **طبیعی** است که تو باید آن را بپذیری.

13. plain (n.)

۱- دشت ۲- ساده ۳- بدون طرح

plan (n.) (v.)

نقشه، برنامه

plane(n.)

هواپیما

planet(n.)

سیاره

plant(n.) (v.)

گیاه / کاشتن

Today most travelers would like to see the **plains** of Iran.

امروزه اغلب مسافرها تمایل دارند که **دشت‌های** ایران را ببینند.

Her clothes were **plain**.

لباس‌هایش **ساده** بودند.

14. hope (v.)

۱- امیدوار بودن ۲- امید ۳- امیدواری

hopeful (adj.)

امیدوار

It is **hoped** that the study will provide some useful information.

این **امیدواری** وجود دارد که این تحقیق مقداری اطلاعات مفید فراهم کند.

15. a few (adj.)

تعداد کمی

opp many

A few of the people were getting annoyed.

تعداد **کمی** از مردم آزرده شدند.

16. human (n.) (adj.)

۱- انسان ۲- انسانی / مهربان

humor (n.)

شوخی، طنز

humid (adj.)

مرطوب

syn person

There are many different cell types in the **human** body.

انواع مختلفی از سلول‌ها در بدن **انسان** وجود دارد.

17. instead of

به جای، در عوض

syn as a replacement

You probably picked up my keys **instead of** yours.

شما احتمالاً کلیدهای من را **به جای** کلیدهای خودتان برداشته‌اید.

18. future (adj.)

آینده

feather (n.)

پر

feature (n.)

ویژگی

opp past

They plan on getting married in the near **future**.

آن‌ها قصد دارند که در **آینده** نزدیک ازدواج کنند.

19. save (v.)

۱- نجات دادن ۲- ذخیره کردن ۳- پس‌انداز کردن

syn keep safe | protect

She had never been able **to save** much from her salary.

او هرگز قادر نبوده که مقدار زیادی از حقوقش را **پس‌انداز** کند.

20. take care of (phrase)

مراقبت کردن

syn look after

The children are old enough to **take care of** themselves.

بچه‌ها به اندازه کافی بزرگ هستند که از خودشان **مراقبت** کنند.

142. I believe it's the President's job to solve problems, not to pass them on to _____ Presidents and next generations.
 1) future 2) past 3) life 4) present
143. The people we spoke to were all very _____ and friendly and we were only sorry we couldn't stay longer.
 1) helpful 2) boring 3) injured 4) dangerous
144. If you aren't _____ about what you eat, you'll put back on all the weight that you spent so much time losing.
 1) hurtful 2) dangerous 3) simple 4) careful
145. Money can't buy happiness _____, it's more comfortable to cry in a Maserati than in a Pride.
 1) also 2) however 3) and 4) especially
146. Living Nepal was a very _____ experience for me, and really taught me to look at the world in a different way.
 1) negative 2) long 3) bad 4) positive
147. You show the warmth of your friendship in so many _____ ways. That's why I hope your birthday is the happiest of days.
 1) dangerous 2) simple 3) different 4) boring
148. Love is not about running into each other in crowds. Love is an impossible meeting. For example, I am a bird flying in the sky, you are a leopard in _____. We just fall in love accidentally.
 1) lake 2) forest 3) village 4) city
149. The hospital has asked various _____ organizations to help raise money for the new operating theatre.
 1) hopeful 2) voluntary 3) future 4) boring
150. The woman was unable to _____ the man who stole her bag because it had been too dark at the time of the robbery.
 1) consider 2) save 3) hunt 4) identify
151. There is some _____ in the old saying that there is a small child in each of us only waiting to get out to play.
 1) truth 2) nature 3) pain 4) hurt
152. She was sitting as usual at the table with sheets and _____ all around her, a pen in her hand and a coffee close by.
 1) spans 2) charts 3) rules 4) periods
153. Draw a /an _____ to show changes in the death rate over this period in the United States.
 1) schedule 2) lake 3) lifespan 4) graph
154. When facing a /an _____ animal the last thing you should do is running a way because it will most likely run faster than you.
 1) small 2) farm 3) wild 4) endangered
155. Sometimes you will be required to _____ an application form which will be used to select candidates for an interview.
 1) base on 2) add to 3) hear of 4) fill in
156. The police are carrying out spot checks on drivers over the Christmas _____ to test for alcohol levels.
 1) span 2) chart 3) graph 4) period
157. I'm _____ that when both sides understand the situation better, they will agree to meet and cooperate with each other.
 1) boring 2) hopeful 3) natural 4) dangerous
158. Knowledge is a comfortable and necessary retreat and shelter for us in advanced age; and if we do not _____ it when we are young, it will give us no shade when we grow old.
 1) plan 2) plant 3) pattern 4) nature
159. Teacher, if you are a beautiful sky of the Sun, we are underground lovely grass, it is that you give us new life. Day and night you help us to _____ ourselves.
 1) take care of 2) cut down 3) put out 4) die out
160. Successful people are not necessarily more intelligent than the _____ people, but they are more courageous, more determined and more persistent.
 1) boring 2) strange 3) average 4) young
161. My wife and I are very happy to hear the news of your marriage. We send you both our love and _____ you will have nothing but joy and happiness in your life together.
 1) save 2) hunt 3) lose 4) hope
162. As you take your new road, we wish you success, happiness, and achievements. May you live the life of your dreams each moment and success _____ you all your life.
 1) inform 2) follow 3) bring 4) pay

48. dangerous (adj.)	خطرناک
Some of these prisoners are extremely dangerous . بعضی از این زندانیان به شدت خطرناک هستند.	
49. expensive (adj.)	گران
syn costly opp cheap Photography is an expensive hobby. عکاسی یک سرگرمی گران قیمت است.	
50. choose (v.) / choice (n.)	انتخاب کردن / انتخاب
syn pick He chose his words carefully as he spoke. او هنگامی که صحبت می کرد کلماتش را به دقت انتخاب می کرد.	
51. happen (v.)	اتفاق افتادن
Two hours had passed and still nothing had happened . دو ساعت گذشته بود ولی هنوز هیچ چیز اتفاقی نیفتاده بود.	
52. drop (n.)	۱ - قطره، ذره ۲ - افتادن ۳ - انداختن
The first drops of rain splashed on the ground. اولین قطرات باران روی زمین پاشید.	
53. great (adj.)	۱ - بزرگ، زیاد ۲ - عالی
syn special She showed great potential as an actor. او استعداد زیادی به عنوان بازیگر نشان داد.	
54. compare (v.) / comparison (n.) / comparable (adj.)	مقایسه کردن / مقایسه / قابل مقایسه
syn weigh The survey compares prices in different countries. این تحقیق آمار قیمت ها را در کشورهای مختلف مقایسه می کند.	
55. kind (adj.)(n.)	۱ - مهربان ۲ - نوع
She was a good, kind woman. او یک زن خوب و مهربان بود. More data of this kind would be valuable. اطلاعات بیشتری از این نوع ، ارزشمند خواهند بود.	
56. fast (adv.)	سریع، به سرعت
syn quick rapid What is the fastest way to the station? سریع ترین راه رسیدن به ایستگاه کدام است؟	
57. shark (n.)	کوسه
sharp (adj.) تند، تیز shake (v.) تکان خوردن، تکان دادن shade (n.) سایه share (v.) (n.) ۱ - قسمت کردن ۲ - سهم Sharks were circling around our boat. کوسه ها اطراف قایق ما می چرخیدند.	
58. trip (n.)	سفر
Did you enjoy your trip to Disneyland? آیا از سفر به دیزنی لند لذت بردید؟	
59. useful (adj.)	مفید
syn helpful opp harmful I want to learn techniques that could be useful to teachers. من می خواهم تکنیک هایی را یاد بگیرم که بتوانند برای معلم ها مفید باشند.	

60. system (n.)	سیستم، نظام
the digestive system سیستم گوارش syn arrangement Under the present system , we don't have any flexibility. تحت سیستم حاضر، ما هیچ انعطاف پذیری نداریم.	
61. silver (n.)	نقره
He won a silver medal at the last Olympics. او در آخرین المپیک برنده یک مدال نقره شد.	
62. sick (adj.)	مریض، بیمار
syn ill unwell Maria can't come today because she's sick . ماریا امروز نمی تواند بیاید چون مریض است.	
63. seafood (n.)	غذای دریایی
I know a good seafood restaurant. من یک رستوران غذای دریایی خوب می شناسم.	
64. round (adv.)	گرد، دور
syn circular She was seated at a small, round table. او پشت یک میز کوچکی گرد نشسته بود. We sat round the table playing chess. ما دور میز نشستیم و شطرنج بازی کردیم.	
65. real (adj.) / reality (n.)	واقعی / واقعیت
syn actual factual There is a real danger that the disease might spread. یک خطر واقعی وجود دارد که بیماری ممکن است پخش شود.	
66. plasma (n.)	پلاسما
The yellowish liquid part of blood that contains the blood cells is called plasma . بخش مایع زرد رنگ خون که شامل سلول های خونی است پلاسما نامیده می شود.	
67. virus (n.)	ویروس
They are trying to stop the spread of the flu virus . آن ها تلاش می کنند که گسترش ویروس آنفولانزا را متوقف کنند.	
68. neighbor (n.)	همسایه
One of the neighbors complained about the noise from the party. یکی از همسایه ها درباره سر و صدای مهمانی شکایت کرد.	
69. nation (n.) / national (adj.) / nationality (n.) / international (adj.)	ملت / ملی / ملیت / بین المللی
Food shortage is often a problem in developing nations . کمبود غذا اغلب یک مشکل در میان ملت های در حال توسعه است.	
70. moon (n.)	ماه
The stars and thin crescent moon gave just enough light to see the path. ستاره ها و هلال ماه نور کافی برای دیدن مسیر را فراهم کردند.	
71. modern (adj.)	جدید، مدرن
syn contemporary current recent opp ancient Computers are an essential part of modern life. کامپیوترها یک بخش ضروری زندگی مدرن هستند.	
72. microscope (n.)	میکروسکوپ
Abnormalities in the cells can be seen quite clearly under a microscope . بی نظمی در سلول ها فقط زیر میکروسکوپ به طور واضح می توانند دیده شوند.	

408. These people who, while believing in a god and goddess, follow the ancient pagan religions that revere the _____ and beauty of nature and its changing seasons.

- 1) wonders 2) choices 3) facts 4) signs

409. Many of them try to enrich their social life by participating in a number of _____ outdoor activities, including camping with friends and family members, going to the beach, travelling and sightseeing locally and nationally.

- 1) delicious 2) interesting 3) powerful 4) alike

410. It's wonderful to work with real _____ players but it's just as satisfying to see the younger players develop and learn.

- 1) quality 2) nationality 3) reality 4) quantity

411. Several years later, the man named Paldawar would die, _____ out on the floor of a dirty hotel room in the middle of the night.

- 1) working 2) bleeding 3) signing 4) controlling

412. The United States is the only Western power that supplies Taiwan with _____ weapons and makes a large sum of money.

- 1) defensive 2) healthy 3) interested 4) alike

تست‌های درک مطلب

Comprehension Tests

Cloze Test

1 Water! We drink it, wash in it, cook with it, swim in it and generally take it for granted. This clear and tasteless liquid is so much part of our lives that we hardly ever think about its _____ (413) _____ properties. We would die in a few days _____ (414) _____ water—and our bodies are 65% water. Water is necessary to dissolve essential minerals and oxygen, flush our bodies of waste _____ (415) _____, and transport nutrients around the body where needed. Water is the only substance that has these properties. And as we shall see, it has many more fascinating features that _____ (416) _____ that it has been designed 'just right' for life. There are three states of matter: solid, liquid, and gas. All three are essential for living things. The solid state maintains its shape. _____ (417) _____ is able to flow and take up the shape of its container, while keeping the same total volume. A gas expands to fill both the shape and size of its container.

413. 1) amazing 2) polite 3) fatty 4) rocky
 414. 1) against 2) without 3) during 4) among
 415. 1) products 2) areas 3) facts 4) interests
 416. 1) suggest 2) pump 3) cross 4) describe
 417. 1) Venus 2) Telescope 3) Gas 4) Liquid

2 Blood is essential to life. Blood circulates through our _____ (418) _____ and delivers essential substances like oxygen and nutrients to the body's cells. It also transports metabolic waste products away from those same _____ (419) _____. There is no substitute for blood. It cannot be made or manufactured. Generous blood donors are the only source of blood for patients in need of a blood transfusion. There are four basic components that comprise human blood: _____ (420) _____, red blood cells, white blood cells and platelets. Red blood cells, which _____ (421) _____ oxygen to the tissues. White blood cells, which fight infections. Platelets, _____ (422) _____ that help blood to clot.

418. 1) attack 2) body 3) control 4) disease
 419. 1) cells 2) interests 3) places 4) materials
 420. 1) light 2) plasma 3) element 4) ant
 421. 1) cross 2) light 3) worry 4) carry
 422. 1) smallest cells 2) smaller cells 3) the smaller cells 4) the small cells

3 Yesterday my brother and I went to see a football game. We watched our two favorite teams, the Eagles and the Hawks. It was the second week of the season and the day was _____ (423) _____ the week before. We arrived at the stadium at 11:30 am, which is a little earlier than usual. We were excited because I love the Hawks and he loves the Eagles. The seats were good, but I wanted something closer to the field. However, we sat and enjoyed the game. Well, we enjoyed it until we started arguing. My brother and I both think our team is better than the other team. He always says to me

453. The modern train appeared to be going as fast as, perhaps even faster than,

- 1) a car the fastest
- 2) fastest cars
- 3) a car is the fastest
- 4) the fastest car

خارج از کشور عمومی ۹۸



Vocabulary

454. A good teacher should encourage the students to discover basic scientific

- 1) facts
- 2) sings
- 3) goals
- 4) tasks

خارج از کشور ۹۲

455. The police the copy with the original, but there was not much difference.

- 1) collected
- 2) connected
- 3) compared
- 4) considered

هنر ۹۴

456. The old man is very proud of the of valuable stamps he has now available in his album.

- 1) creation
- 2) interest
- 3) wonder
- 4) collection

هنر ۹۵

457. With all his unhealthy habits taken into consideration, it's a he's lived this long.

- 1) wonder
- 2) worry
- 3) treasure
- 4) document

خارج از کشور انسانی ۹۸

458. I what I would be doing now in this strange country without your kind help.

- 1) suppose
- 2) wonder
- 3) prefer
- 4) hate

ریاضی ۹۸

Cloze Test

Mars is the fourth planet from the Sun and next beyond the Earth. It is a about one and-a-half times as far from the sun as the Erath, so it does not (459) as much heat. Nevertheless, it is the only planet with (460) anything like those on the Earth , and for a long time was believed to support some form of life. Mars is about half the size of the Earth but has (461) one-tenth the Earth's mass, so its gravity is much less.

Its distance from the sun varies, as does its distance from the Earth. When Mars is (462) the Earth, it is said to be "at opposition" and this is (463) time for observing it with a telescope.

ریاضی ۸۸ با تغییر

- 459. 1) attack
- 2) receive
- 3) compare
- 4) collect
- 460. 1) conditions
- 2) comparisons
- 3) instructions
- 4) destinations
- 461. 1) any
- 2) as
- 3) only
- 4) many
- 462. 1) close
- 2) closest to
- 3) as close as
- 4) closer to
- 463. 1) best
- 2) as good
- 3) the best
- 4) better

Reading

1 Until a couple of years ago, Mars has always been the top candidates for a planet other than Earth where life might be found. What if Mars disappoints us? Are there other candidates in the solar system?

The answer is yes, and the next-best shot at finding extra-terrestrial life forms is on Europa, a moon of the planet Jupiter. Right now, there is no other body in the solar system that attracts as much scientific attention as this bright stranger-looking moon, the smallest of Jupiter's four large satellite. These satellites (as you would approach them moving outward from Jupiter) are Io, Europa, Ganymede and Calisto.

Europa seems like a good bet. Life might be a bit strange, but perhaps not a lot stranger than the life forms recently found around hot vents in the abyssal ocean. Liquid water and sources of energy are the essential prerequisites for life. Europa might well have them. Strong tidal heat could keep the inside of Europa warm enough to have liquid water beneath a layer of ice. Therefore, any organic compounds would be mobile, in water. They could interact.

نجرین ۹۵



گرامر

Grammar

زمان حال کامل

در سال‌های گذشته با زمان‌های حال ساده (درس ۱ و ۳ زبان نهم)، حال استمراری (درس ۲ زبان نهم)، گذشته ساده (درس ۵ و ۶ زبان نهم)، آینده (درس ۱ زبان دهم) و گذشته استمراری (درس ۳ زبان دهم) آشنا شدیم. زمان حال کامل بسیار شبیه به زمان ماضی نقلی در فارسی و وصل‌کننده گذشته به حال است.

شکل مثبت

فاعل + have / has + p.p. / + ...

I have worked.
You have worked.
He / She / It has worked.
We have worked.
You have worked.
They have worked.

من کار کرده‌ام.
تو کار کرده‌ای.
او / آن کار کرده است.
ما کار کرده‌ایم.
شما کار کرده‌اید.
آن‌ها کار کرده‌اند.

شکل منفی

فاعل + have / has + not + p.p. / + ...

I have not worked.
You have not worked.
He / She / It has not worked.
We have not worked.
You have not worked.
They have not worked.

من کار نکرده‌ام.
تو کار نکرده‌ای.
او / آن کار نکرده است.
ما کار نکرده‌ایم.
شما کار نکرده‌اید.
آن‌ها کار نکرده‌اند.

شکل سؤالی

Have / Has + فاعل + p.p. / + ... ?

Have I worked?
Have you worked?
Has she / he / it worked?
Have we worked?
Have you worked?
Have they worked?

آیا من کار کرده‌ام؟
آیا تو کار کرده‌ای؟
آیا او / آن کار کرده است؟
آیا ما کار کرده‌ایم؟
آیا شما کار کرده‌اید؟
آیا آن‌ها کار کرده‌اند؟

۱ برای فاعل سوم شخص مفرد (she, he, it) از has و برای سایر فاعل‌ها از have استفاده می‌کنیم.

۲ "ve" شکل مخفف have است و "s" شکل مخفف has است.

۳ p.p. همان اسم مفعول یا قسمت سوم فعل است که در افعال با قاعده با اضافه کردن d یا ed به انتهای آن ساخته می‌شود و در افعال بی‌قاعده شکل حفظی دارد و باید آن را حفظ کنید. مثلاً قسمت سوم (p.p.) فعل study که فعلی با قاعده است، به شکل studied است و قسمت سوم (p.p.) فعل eat که فعلی بی‌قاعده است، به شکل eaten نوشته می‌شود.

۴ haven't مخفف have not است و hasn't مخفف has not است.

صدای مشاور: لطفاً به تست‌های گرامر شماره‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ پاسخ دهید.

کاربردهای زمان حال کامل

۱ برای بیان عملی که در زمان گذشته رخ داده اما اثر یا نتیجه آن در زمان حال باقی است، از زمان حال کامل استفاده می‌کنیم.

e.g. I have lost my key. I can't get into my house.

کلیدم را گم کرده‌ام. نمی‌توانم وارد خانه‌ام بشوم.

e.g. John has broken his leg and can't go on holiday.

پای جان شکسته است و نمی‌تواند به تعطیلات برود.

۲ برای بیان عملی که در زمان گذشته شروع شده و هنوز تمام نشده است، از زمان حال کامل استفاده می‌کنیم.

e.g. We've lived here since I was a child.

از وقتی که بچه بودم این‌جا زندگی کرده‌ایم.

e.g. She's lived in London for three years.

او به مدت سه سال در لندن زندگی کرده است.

since	از، از زمانی که	for	به مدت
ever	هیچ وقت، تا به حال	never	هرگز
already	قبلاً، تاکنون	yet	هنوز، تا حالا
recently	اخیراً	just	همین حالا
still	هنوز	so far	تاکنون، تا حالا

- 1 **since**: مبدأ زمانی را نشان می‌دهد.
 e.g. I haven't lived here since 1989. (از سال ۱۹۸۹ این‌جا زندگی نکرده‌ام.)
- 2 **for**: مدت زمان را نشان می‌دهد.
 e.g. I have lived in Moscow for 5 years. (من به مدت ۵ سال در مسکو زندگی کرده‌ام.)
- 3 **yet**: در انتهای جملات سؤالی و منفی به کار می‌رود.
 e.g. Have you finished your homework yet? (آیا هنوز تکالیف را تمام نکرده‌ای؟)
 e.g. I haven't asked him yet. (هنوز از او نپرسیده‌ام.)
- 4 **ever**: در جملات سؤالی و منفی به کار می‌رود.
 e.g. Have you ever been to Paris? (آیا تاکنون به پاریس رفته‌اید؟)
- 5 **never**: در جملات مثبت به کار می‌رود؛ ولی به جمله معنای منفی می‌دهد.
 e.g. He's never been to Australia. (او هرگز به استرالیا نرفته است.)
- 6 **recently**: می‌تواند در اول جمله و یا انتهای جمله به کار رود.
 e.g. I have gone to London recently. (اخیراً به لندن رفته‌ام.)
- 7 **already**: در جملات مثبت و معمولاً بعد از **has / have** به کار می‌رود.
 e.g. I've already seen that movie. (قبلاً آن فیلم را دیده‌ام.)
- 8 **just**: برای اشاره به عملی که مدت زمان کمی از آن گذشته است، به کار می‌رود.
 e.g. She's just eaten lunch. (او تازه ناهار خورده است.)
- 9 **still**: در جملات سؤالی و منفی می‌توانیم از این قید به معنای «هنوز» استفاده کنیم.
 e.g. I still haven't finished painting the room. (هنوز رنگ کردن اتاق را تمام نکرده‌ام.)
- 10 **so far**: این قید معادل **up to now** است.
 e.g. So far we've made thirty two thousand pounds. (تا کنون سی و دو هزار پوند درآمد داشته‌ایم.)

قید **always** می‌تواند با زمان حال کامل هم به کار رود.
 e.g. I've always wanted to go to Paris. (من همیشه می‌خواستم به پاریس بروم.)

100+

2. I haven't worked last December.

1) for

2) since

3) ever

4) yet

پاسخ: گزینه ۲ از دسامبر گذشته کار نکرده‌ام. چون بعد از نقطه‌چین مبدأ زمان (last December) داریم، جواب **since** است.

افعال مرکب

افعال مرکب، افعالی هستند که از دو قسمت تشکیل شده‌اند: فعل اصلی + حرف اضافه یا جزء قیدی

لیست افعال مرکب

call back	دوباره تماس گرفتن	get up	بیدار شدن	come back	برگشتن
check in	پذیرش شدن ادر هتل	grow up	بزرگ شدن	take after	شبیه کسی بودن
give up	رها کردن، ترک کردن	hurry up	عجله کردن	go on	ادامه دادن
look after	مراقبت کردن	turn off	خاموش کردن	go around	دور... چرخیدن
wake up	بیدار شدن	look for	جست‌وجو کردن	throw away	دور انداختن
keep on	ادامه دادن	cut down	قطع کردن	take sth apart	ادستگاه و غیره اوراق کردن، قطعه قطعه کردن

64. reason (n.)/reasonable (adj.) syn cause We have reasons to celebrate. ما دلایلی برای جشن گرفتن داریم.	۱ - دلیل ۲ - منطقی
65. properly (adv.)/property (n.)/probably (adv.) syn suitably I'm trying to get my students to behave properly . من تلاش می‌کنم که دانش‌آموزانم را متقاعد کنم به طور مناسب رفتار کنند.	۱ - به خوبی، به طور مناسب ۲ - اموال ۳ - احتمالی
66. decrease (v.) syn reduce lower opp increase rise enhance They want to decrease their usage on oil. آنها می‌خواهند مصرف روغن خود را کاهش دهند.	کاهش دادن
67. social (n.)/society (n.)/socialize (v.) I had an active social life when I was at college. من وقتی در کالج بودم، زندگی اجتماعی فعالی داشتم.	۱ - اجتماعی ۲ - جامعه ۳ - اجتماعی کردن، معاشرت کردن
68. take care (phrase.) She can take care of her physical and emotional health. او می‌تواند از سلامت جسمی و عاطفی خودش مراقبت کند.	مراقب باش
69. identify (v.) syn recognize Even the smallest baby can identify its mother by her voice. حتی کوچک‌ترین نوزاد هم می‌تواند مادر خود را از طریق صدا تشخیص دهد.	۱ - تشخیص دادن ۲ - تعیین کردن ۳ - تشخیص هویت دادن
70. cause (v.) (n.) Alcohol is the most common cause of road accidents. الکل رایج‌ترین علت تصادف جاده‌ای است.	۱ - سبب، علت ۲ - سبب شدن
71. enable (v.)/able (adj.) The loan enabled Jane to buy the house. آن وام جین را قادر ساخت تا خانه را بخرد.	۱ - توانا ساختن، قادر ساختن ۲ - توانا
72. in particular (adv.) syn specially It was a good concert-I enjoyed the last song in particular . کنسرت خیلی خوبی بود - من به ویژه از آخرین آهنگ لذت بردم.	مخصوصاً، به ویژه
73. avoid (v.) You should avoid eating too much chocolate. شما باید از خوردن زیاد شکلات اجتناب کنید.	جلوگیری کردن، اجتناب کردن
74. proportion (n.) The proportion of greenhouse gases in the atmosphere is rising. نسبت گازهای گلخانه‌ای در جو در حال افزایش است.	سهم، نسبت
75. positive (adj.) Having a positive attitude makes life so much better. داشتن نگرش مثبت زندگی را بسیار بهتر می‌کند.	مثبت
76. worthy (adj.) They lost their lives for a worthy cause. آنها جان خود را در راه هدف ارزشمندی فدا کردند.	۱ - ارزشمند ۲ - شایسته
77. direct (v.) (n.)/directly (adv.) I directed him to the boss's office. من او را به سمت دفتر رئیس هدایت کردم.	۱ - هدایت کردن / مستقیم ۲ - به طور مستقیم

78. effect (n.) syn influence Some books have a bad effect on children. بعضی از کتاب‌ها اثر بدی روی بچه‌ها می‌گذارند.	اثر، تأثیر
79. stage (n.) I was in the early stages of the disease. من در مراحل اولیه بیماری بودم.	۱ - مرحله ۲ - صحنه
80. laughter (n.)/laugh (v.) I could hear the children's sound of laughter . من می‌توانستم صدای خندیدن بچه‌ها را بشنوم.	۱ - خنده - صدای خندیدن ۲ - خندیدن

جلسه سوم

81. medicine (n.) syn drug Doctors also give medicine to patients. دکترها همچنین به بیماران دارو می‌دهند.	۱ - دارو ۲ - پزشکی
82. jog (v.) He jogs two miles every morning to keep in shape. او هر روز ۲ مایل می‌دود تا تناسب اندامش را حفظ کند.	به آرامی دویدن
83. call back (phr. v.) I'll call back later. دوباره تلفن کردن بعداً دوباره تلفن خواهم کرد.	
84. cycling (n.) We went cycling in Holland last year. ما سال گذشته برای دوچرخه‌سواری به هلند رفتیم.	دوچرخه‌سواری
85. death (n.)/die (v.)/dead (adj.)/die out (phr. v.) What was the cause of her death ? علت مرگ او چه بود؟ ۱ - مرگ ۲ - مردن ۳ - مرده ۴ - منقرض شدن	
86. disagree (v.)/disagreement (n.) opp agree He will disagree with whatever I say. او با هر چیزی که من بگویم مخالفت خواهد کرد.	۱ - مخالفت کردن، مخالف بودن ۲ - مخالفت
87. sportsperson (n.) Ronaldo is a famous sportsperson . رونالدو یک ورزشکار معروف است.	ورزشکار
88. dislike (n.) opp like I dislike crowded places. من جاهای شلوغ را دوست ندارم.	دوست نداشتن
89. emergency (n.) Use this exit door only in emergencies . فقط در مواقع ضروری از این در استفاده کنید.	وضعیت اضطراری
90. harmful (adj.) syn destructive damaging The ozone layer blocks the harmful rays from the Sun. لایه اوزون اشعه‌های مضر خورشید را مسدود می‌کند.	مضر، زیانبار
91. exciting (adj.) The novel contains exciting scenes. رمان دارای صحنه‌های هیجان‌انگیزی است.	هیجان‌انگیز
92. disease (n.) syn illness sickness Heart disease is a dangerous illness. بیماری قلبی، بیماری خطرناکی است.	بیماری

2 Culture is defined as language, religion, cuisine, social habits, music and arts. The Center for Advance Research on Language Acquisition goes a **(1769)** further, defining culture as **(1770)** patterns of behaviors and interactions, cognitive constructs and understanding that are learned by socialization. Thus, it can be seen as the growth of a group **(1771)** fostered by social patterns unique to the group. "Culture encompasses religion, food, what we wear, how we wear it, our language, marriage, music, what we believe is right or wrong, how we sit at the table, how we **(1772)** visitors, how we behave with loved ones, and a **(1773)**," Cristina De Rossi, an anthropologist at Barnet and Southgate College in London, told Live Science.

- 1769.** 1) promise 2) prize 3) mistake 4) step
1770. 1) surprising 2) soft 3) shared 4) sociable
1771. 1) power 2) pleasure 3) mosaic 4) identity
1772. 1) greet 2) bow 3) advise 4) weave
1773. 1) million other thing 2) million other things
 3) millions other things 4) million others thing

3 Ahvaz, Khuzestan's provincial capital, has grown **(1774)** one of the largest cities in Iran. Markets in the Naderi neighborhood are bustling, modern bridges span the river Karoon, and marbled apartment buildings are fast on the rise. Abadan, a port city, is relatively small in comparison. With the Iraqi border to the west, it has little room to grow. The oil industry remains prominent in the city, as does the fishing industry that brings in scores of **(1775)** seafood from the Persian Gulf daily. The blue and gold colors found throughout the city signify a local devotion to the San'at-e Naft (lit. 'Oil Industry') football club, as well as a comedic and ambiguous familial connection with Brazil. Walking throughout Abadan, the visceral bandari (lit. 'port style') music is **(1776)**, with its thumping beats and the high-pitched sounds of the ney anban. Shush and Shushtar retain a sense of old-worldliness not yet replaced by veneer marble apartment towers. Ancient sites the Elamite ziggurat Chogha Zanbil, the Elamite ruins at Haft Tappeh (lit. 'Seven Hills'), and the tomb of the Hebrew prophet Daniel. More modern sites include a 19th century castle in Shush, which was built on an ancient hilltop by French archaeologists, and that **(1777)** a panoramic overlook of the entire city. Buildings in old quarters of **(1778)** still display local mud-brick architecture navigable through the narrow, to undulate streets that help keep temperatures cool in the summer.

- 1774.** 1) becoming 2) to become 3) become 4) became
1775. 1) fresh 2) junk 3) unhealthy 4) dangerous
1776. 1) decorative 2) unavoidable 3) touching 4) unfortunate
1777. 1) weaves 2) provides 3) promises 4) recognizes
1778. 1) these two neighboring city 2) these two neighbored cities
 3) this two neighboring cities 4) these two neighboring cities

4 Art refers to a diverse range of human activities in creating visual, auditory or performing artifacts. These artworks **(1779)** the author's imaginative or technical skill. Art is intended to be appreciated for its **(1780)** or emotional power. In their most general form these activities include the production of works of art, the criticism of art, the study of the history of art, and the aesthetic dissemination of art. Art has had a great number of different functions throughout its history, making its purpose difficult **(1781)** or quantify to any single concept. This does not imply that the purpose of Art is "vague", but that it has had many unique, different reasons for being created. Art can have a personal function, it is an expression of basic human instinct for harmony, balance, rhythm. Art at this level is not an action or an object, but an internal appreciation of balance and harmony (beauty), and therefore an aspect of being human beyond utility. Art also provides a way **(1782)** one's self in relation to the universe. This experience may often come unmotivated, as one appreciates art, music or poetry. On the other hand art may have a social function. At its simplest, art is a form of communication. It seeks to entertain and bring about a particular emotion or mood, for the purpose of relaxing or **(1783)** the viewer. Art may also be an expression of social protest, seeking to question aspects of society.

- 1779.** 1) express 2) reflect 3) depend 4) include
1780. 1) economy 2) arrow 3) beauty 4) custom
1781. 1) abstract 2) abstracting 3) to abstract 4) abstracted
1782. 1) to experience 2) experiencing 3) experience 4) experienced
1783. 1) to entertain 2) entertain 3) entertained 4) entertaining

Reading Test

1 Salvador Dali was born in Figueres, Spain on May 11, 1904. His father was a lawyer and very strict, but his mother was kinder and encouraged Salvador's love for art. Growing up he enjoyed drawing and playing football. He often got into trouble for daydreaming in school. He had a sister named Anna Maria who would often act as a model for his paintings. Salvador began drawing and painting while he was still young. He painted outdoor scenes such as sailboats and houses. He also painted portraits. Even as a teenager he experimented with modern painting styles such as Impressionism. When he turned seventeen he moved to Madrid, Spain to study at the Academy of Fine Arts. Dali lived a wild life while at the academy. He grew his hair and had long sideburns. He hung out with a radical group of artists and got into trouble often. When he was close to graduation he was expelled for causing problems with the teachers. Not long after that, he was imprisoned for a short time for supposedly opposing the dictatorship of Spain. Salvador continued to experiment and study different kinds of art. He explored classic art, Cubism, Dadaism, and other avant-garde painters. Eventually he became interested in Surrealism through artists such as Rene Magritte and Joan Miro. From this point he would concentrate much of his work on Surrealism and become one of the pre-eminent artists of the Surrealist movement.

1784. The underlined word "his" in the last paragraph refers to _____.

- 1) Joan Miro 2) Rene Magritte 3) Salvador 4) Anna

1785. This passage provides enough information for the question _____.

- 1) What are different kinds of painting ? 2) Who was Joan Miro ?
3) How we can learn painting ? 4) Who was Salvador Dali?

1786. What was the role of Dali's family in his success ?

- 1) His parents encourage him so much.
2) His father helped him in selection of each painting.
3) His mother was the model of his paintings.
4) His mother always encouraged him and also his sister was as a model for his paintings.

1787. The underlined word "long" in second paragraph is antonym of _____.

- 1) short 2) unique 3) moral 4) vast

2 The Early Islamic World was a period of rapid expansion for both the Islamic Empire and the religion of Islam. While Europe was languishing in the Dark Ages, the Middle East was experiencing a time of economic prosperity and scientific advancement. The Islamic Empire was from the start of Islam (610 CE) to the fall of the Ottoman Empire (1924.). The religion of Islam was founded in 610 CE by the Prophet Muhammad in the city of Mecca (modern day Saudi Arabia). The religion soon spreaded throughout the region and had a major impact on the culture of the Middle East and North Africa throughout the Middle Ages.

After Muhammad died, the Islamic government was called the "Caliphate" and was ruled by a "Caliph." The first four Caliphs were all taught Islam by Muhammad and were called the "Rightly Guided" Caliphs. They were followed by the first Islamic dynasty called the Umayyad Caliphate. In 750 CE, the Abbasid Caliphate took control and ruled for 500 years. The Islamic Golden Age took place during the Abbasid Caliphate. The Islamic Empire expanded throughout the Middle Ages to become one of the largest empires in the history of the world. It controlled the Middle East, Northern Africa, the Iberian Peninsula (Spain), and parts of Asia into India.

1788. The pronoun "it" in last paragraph refers to _____.

- 1) Middle East 2) Northern Africa 3) Islamic Empire 4) world

1789. What does it mean by "Caliphate" ?

- 1) the title of Prophet Muhammad 2) Islamic government
3) Middle ages 4) Middle East

1790. Which sentence is True ?

- 1) The Islamic Empire and Ottoman empire are the same.
2) The old name of India is Iberian Peninsula.
3) The Islamic Empire expanded through out the Dark Ages.
4) With the death of Muhammed, the name of the Islamic Empire was changed.

نامه توسط حمید نوشته شد. **جمله مجهول:** The letter was written by Hamid.

to be pp.

هرگاه مفعول جمله معلوم ضمیر مفعولی باشد، هنگام تبدیل جمله معلوم به مجهول، آن را به ضمیر فاعلی تبدیل می‌کنیم.

مانی با او مصاحبه کرد. **جمله معلوم:** Mani interviewed him.

ضمیر مفعولی

مصاحبه با او توسط مانی انجام شد. **جمله مجهول:** He was interviewed by Mani.

ضمیر فاعلی

ساختار معلوم و مجهول زمان‌ها

زمان	جمله معلوم	جمله مجهول
حال ساده	I clean the room. من اتاق را تمیز می‌کنم.	The room is cleaned. اتاق تمیز می‌شود.
حال استمراری	I am cleaning the room. من دارم اتاق را تمیز می‌کنم.	The room is being cleaned. اتاق دارد تمیز می‌شود.
حال کامل	I have cleaned the room. من اتاق را تمیز کرده‌ام.	The room has been cleaned. اتاق تمیز شده است.
گذشته ساده	I cleaned the room. من اتاق را تمیز کردم.	The room was cleaned. اتاق تمیز شد.
گذشته استمراری	I was cleaning the room. من داشتم اتاق را تمیز می‌کردم.	The room was being cleaned. اتاق داشت تمیز می‌شد.
آینده با will	I will clean the room. من اتاق را تمیز خواهم کرد.	The room will be cleaned. اتاق تمیز خواهد شد.
آینده با be going to	I'm going to clean the room. من قرار است اتاق را تمیز کنم.	The room is going to be cleaned. قرار است اتاق تمیز شود.

ساختار سؤالی و منفی جمله مجهول

برای سؤالی یا منفی کردن جمله مجهول مانند جمله معلوم باید از افعال کمکی استفاده کنیم. برای سؤالی کردن، اولین فعل کمکی را به اول جمله می‌آوریم و برای منفی کردن، اولین فعل کمکی را با استفاده از not منفی می‌کنیم.

جمله معلوم: I washed the dishes last night.

جمله مجهول: The dishes were washed last night.

جمله سؤالی مجهول: Were the dishes washed last night?

جمله منفی مجهول: The dishes were not washed last night.

دیشب ظرف‌ها را شستم.

دیشب ظرف‌ها شسته شد.

آیا دیشب ظرف‌ها شسته شد؟

دیشب ظرف‌ها شسته نشد.

روش تشخیص جمله مجهول از جمله معلوم در تست‌ها

برای تشخیص این که جمله یک تست مجهول است یا معلوم، باید از روش‌های میانبر استفاده کنیم: میانبر ۱: اگر فعل داخل گزینه‌ها فعلی متعدی باشد، باید بعد از نقطه‌چین مفعول بیاید. اگر بعد از نقطه‌چین مفعول آمده بود، جمله معلوم است و اگر بعد از نقطه‌چین مفعول نیامده بود، جمله مجهول است.

میانبر ۲: اگر اسم یا ضمیر قبل از نقطه‌چین انجام‌دهنده فعل بود، جمله معلوم و اگر مفعول بود، جمله مجهول است.

۱ فعل‌های لازم مفعول نمی‌گیرند، بنابراین شکل مجهول ندارند.

e.g. I arrived this evening.

امروز عصر رسیدم.

در این مثال فعل arrive یک فعل لازم است که مفعول نمی‌گیرد؛ بنابراین شکل مجهول ندارد.

مهم‌ترین افعال لازم:

happen	work	get up	go	sleep	seem	understand
اتفاق افتادن	کار کردن	بیدار شدن	رفتن	خوابیدن	به نظر رسیدن	درک کردن
live	arrive	rise	die	disappear	occur	wait
زندگی کردن	رسیدن به	بالا آمدن	مردن	ناپدید شدن	اتفاق افتادن	منتظر ماندن

۲ تعدادی از افعال، دومفعولی هستند. افعال دو مفعولی افعالی هستند که علاوه بر مفعول مستقیم غیر انسان به مفعول غیر مستقیم انسانی نیاز دارند.

e.g. Sarah bought a book for Joe.

مفعول مستقیم مفعول غیر مستقیم

سارا یک کتاب برای جو خرید.

1942. Which sentence is grammatically correct?

- 1) Televisions and computer are dominating our daily life.
- 2) She gets to the door and put the key in the latch.
- 3) He has to write ,and type the letter.
- 4) In order to avoid making the situation more complicated I called 110 and asked for help.

واژگان درس اول

Vocabulary

جلسه اول (از صفحه ۱۵ تا ۲۲ کتاب درسی از ابتدای درس تا ابتدای Reading)

1. sense (n.) / senseless (adj.) / sensitive (adj.) syn feeling She has a good sense of smell.	حس / بی حس / حساس او حس بویایی خوبی دارد.
2. appreciation (n.) / appreciate (v.) 1- قدردانی 2- درک / 1- درک کردن 2- قدردانی کردن sense of appreciation The chairman asked me to express our appreciation of all your hard work. رئیس از من خواست که قدردانی‌ام را بابت همه تلاشی که کردی بیان کنم.	حس قدردانی
3. kindness (n.) / kind (adj.) 1- مهربانی، محبت 2- مهربان I can't thank you enough for your kindness . من نمی‌توانم به اندازه کافی برای مهربانی‌ات از تو تشکر کنم.	1- مهربانی، محبت 2- مهربان
4. elderly (adj.) We want to build a home for elderly people. ما می‌خواهیم خانه‌ای برای افراد سالخورده بسازیم.	سالخورده
5. teenager (n.) Many teenagers are scared of the dark. بسیاری از نوجوانان از تاریکی می‌ترسند.	نوجوان
6. grandchild (n.) They have lived most of their lives here, and their children and grandchildren were born here. آن‌ها بیشتر عمرشان را این‌جا زندگی کرده‌اند و بچه‌ها و نوه‌هایشان این‌جا به دنیا آمده‌اند.	نوه
7. function (n.) 1- عملکرد 2- وظیفه، نقش 3- کار The function of the heart is to pump blood throughout the body. وظیفه قلب این است که خون را به سراسر بدن پمپ کند.	1- عملکرد 2- وظیفه، نقش 3- کار
8. respect (n.) (v.) / respectable (adj.) / respectful (adj.) 1- احترام، احترام گذاشتن 2- محترم 3- مؤدب aspect (n.) جنبه expect (v.) انتظار داشتن expert (n.) کارشناس export (n.) صادرات I have the greatest respect for my father's work. من برای کار پدرم احترام زیادی قائم.	1- احترام، احترام گذاشتن 2- محترم 3- مؤدب
9. loving (adj.) She had grown up in a loving family and knew that love and care were two different words. او در یک خانواده بامحبت بزرگ شده بود و می‌دانست عشق و توجه دو کلمه متفاوت هستند.	مهربان، با محبت

10. temperature (n.) take sb's temperature Water boils at a temperature of 100°C. آب در دمای 100°C می‌جوشد.	1- دما، 2- درجه حرارت درجه حرارت کسی را گرفتن
11. physician (n.) If you have a bad chest pain you should see a physician . اگر درد قفسه سینه بدی دارید، باید به دکتر مراجعه کنید.	پزشک، دکتر
12. regard (v.) (n.) 1- قلمداد کردن 2- نگرستن 3- احترام 4- توجه regarding درباره regarding sb as کسی را ... قلمداد کردن in regard to با توجه به in this/ that regard در این رابطه All seemed to regard exercise as an essential part of his activities. به نظر می‌رسید علی به ورزش به عنوان قسمتی اساسی از فعالیت‌هایش می‌نگریست .	1- قلمداد کردن 2- نگرستن 3- احترام 4- توجه
13. dedicated (adj.) / dedicate (v.) / dedication (n.) 1- متعهد 2- وقف کردن، اختصاص دادن 3- تعهد syn devoted to Just like any collective task, planning requires dedicated and high-quality training. درست مثل هر وظیفه جمعی دیگری، برنامه‌ریزی کردن نیز به آموزش اختصاصی و باکیفیت نیاز دارد.	1- متعهد 2- وقف کردن، اختصاص دادن 3- تعهد
14. spare no pains (adj.) 1- دریغ کردن 2- چشم‌پوشی کردن The ship's crew will spare no pains to make your Mediterranean cruise unforgettable. خدمه کشتی تمام تلاش خود را خواهند کرد تا سفر دریایی مدیترانه‌ای شما را فراموش‌نشدنی سازند.	از هیچ تلاشی مضایقه نکردن
15. distinguished (adj.) / distinguish (v.) 1- متمایز، برجسته 2- تشخیص دادن، متمایز ساختن The general is a distinguished officer having performed admirably in two wars and being directly responsible for victory in three major battles. ژنرال افسر برجسته‌ای است که در دو جنگ به صورت تحسین‌برانگیزی عمل کرده است و مستقیماً مسئول پیروزی در سه نبرد بزرگ است.	1- متمایز، برجسته 2- تشخیص دادن، متمایز ساختن
16. surprisingly (adv.) The exam was surprisingly easy. امتحان به‌طور شگفت‌انگیزی راحت بود.	به‌طور شگفت‌انگیزی
17. found (v.) / foundation (n.) 1- تأسیس کردن 2- ساختن 3- تأسیس، مؤسسه The bank was founded 60 years ago in Munich. این بانک 60 سال قبل در مونیخ تأسیس شد.	1- تأسیس کردن 2- ساختن 3- تأسیس، مؤسسه

2109. A: "Are you invited to Alan's party too?"

B: "Yes. But unfortunately I can't attend it. I'm very busy today and there's still lots of work to do. Do you think it's fine if I apologize to him?"

A: "_____ . He will definitely understand you."

- 1) It's a pity 2) It seems to be ok 3) It sounds wrong to me 4) It's not surprising

2110. A: "So _____ ?"

B: "Oh just fantastic. I had a great weekend with my family. We went fishing, hunting, sailing and finally swimming."

A: "That's wonderful."

- 1) how's everything 2) that's the point 3) how wonderful 4) it sounds strange

2111. Mary: "So why are you on this train Rita?"

Rita: "I'm finishing my vacation. Today's my last day. I went all over Europe. Twenty-four days, seven countries."

Mary: "Oh, _____ ! this is my station. Listen, I'll call you tonight to go out together."

Rita: "Great. Speak to you tonight. Bye!"

- 1) It sounds wrong to me 2) It's not surprising
3) It's a pity 4) It is so touching

2112. When I saw him, he seemed very sad because _____ all his financial problems, his wife left him too.

- 1) on top of 2) on bottom of 3) it seems to be ok 4) if all goes well

2113. In 2006, China's Prime Minister Wen Jiabao claimed: "I have a dream that every Chinese, _____ children, can afford to drink one kilogram of milk every day".

- 1) at least 2) first of all 3) once more 4) all around

2114. The old man looked with kindness at his wife and said: "like most married couples we've had our _____ but life's like that".

- 1) ups and downs 2) for example 3) of course 4) this way

2115. Whenever I lose hope I tell myself that as long as I am still alive, I will _____ face the good things in life.

- 1) rarely 2) definitely 3) mostly 4) calmly

2116. The research offers a/an _____ into the everyday lives of millions of ordinary Russian natives.

- 1) insight 2) sense 3) page 4) advice

2117. Some of the best lessons we ever learn from our mistakes and failures of the past is the _____ and success of the future.

- 1) heritage 2) pity 3) agreement 4) wisdom

2118. She smiled and said: "Don't worry about the baby who doesn't want to leave you – it's a stage they all _____".

- 1) care for 2) go through 3) pair up 4) get along

2119. After making such a bad mistake and causing so much trouble for the company, Hamid was so lucky to be _____ by the manager. The kind manager let him continue his job and didn't fire him.

- 1) forgotten 2) distinguished 3) forgiven 4) described

2120. The report includes one hundred pages with different tables. You need to _____ most of your time to reading such a detailed report.

- 1) waste 2) dedicate 3) change 4) spend

2121. Some economists have pointed out in an interview that the lowering of interest rates will give a much-needed _____ to the economy.

- 1) item 2) advice 3) pressure 4) duty

2122. Whether it was the panic in my voice or my _____ of the facts, Jackson was beginning to realize the seriousness of what might be happening to her in the court.

- 1) connection 2) observation 3) combination 4) description

2123. Sue earned a lot of money by writing chemistry books but she didn't use it for herself. In fact, she used the money to go towards the _____ of a special research group.

- 1) function 2) elicitation 3) appreciation 4) foundation

2124. Did Bob think Mary didn't need help, or was this another _____ where he couldn't bring himself to make a decision?

- 1) instance 2) function 3) location 4) reason

2125. If you want to talk about your problems with someone, I think David is the right one. He is very _____ with his time. You can talk with him for hours.

- 1) careful 2) generous 3) serious 4) regretful

2126. Unfortunately, her speech missed the mark and failed to _____ the public support she had been hoping for.

- 1) found 2) devote 3) distinguish 4) generate

2149. Further to your letter of March, 1, I should like to inform you of a number of recent developments _____ the Saffron Hill site.
- 1) interesting 2) loving 3) confirming 4) regarding
2150. Compared to my life in the village where I grew up, earning minimum wage and living in a one-bedroom apartment in New York felt like living in the _____ of luxury.
- 1) series 2) taste 3) lap 4) plan
2151. One day someone will walk into your life, then you realize that love was always _____ waiting for.
- 1) worth 2) match 3) choice 4) point
2152. When a problem happens or things go wrong, running away is not the answer. You have to think and find a way to _____ it.
- 1) replace 2) create 3) handle 4) boost

درک مطلب

Reading

یکی از بخش‌های مهم در هر آزمون زبان انگلیسی درک مطلب است. درک مطلب، یک متن است که بعد از آن معمولاً ۴ یا ۵ سؤال می‌آید. به دلیل ضعف بیشتر دانش‌آموزان در بخش درک مطلب، این بخش را در قالب مهارت‌های تست‌زنی و سوالات تیپ‌بندی شده آموزش خواهیم داد. یادتان باشد که هر کدام از این مهارت‌ها را به همراه تست‌های آموزشی به‌دقت بخوانید و این تکنیک‌ها را در پاسخگویی به سوالات درک مطلب پیاده کنید تا به تسلط برسید. به‌طور کلی برای پاسخگویی به سوالات درک مطلب سه مرحله زیر را باید طی کنید:

- ۱ یاد گرفتن تکنیک‌ها و مهارت‌های متن‌خوانی (در این کتاب همه این تکنیک‌ها و مهارت‌ها را آموزش خواهیم داد).
- ۲ تمرین زیاد (تا دلتان بخواند این کتاب پر از درک مطلب از سطح ساده تا دشوار است).
- ۳ منبع مناسب (مطمئن باشید که با انتخاب این کتاب منبع مناسبی را برای تمرین درک مطلب انتخاب کرده‌اید).

تیپ اول - سؤال از جزئیات متن

وقتی شما به دنبال اطلاعات خاصی در متن هستید مثل یک کلمه، عبارت خاص، عدد، تاریخ، مکان و... که باید از scanning استفاده کنید. منظور از scanning این است که شما برای پاسخگویی به سؤالاتی که به دنبال اطلاعات خاصی از متن هستید، احتیاجی ندارید که تمام متن را بخوانید، بلکه همان جایی از متن را که آن اطلاعات آمده است دقیق‌تر بخوانید.

← مراحل Scanning

- ۱ یک تصویر واضح از اطلاعاتی که به دنبالشان می‌گردید در ذهنتان داشته باشید. (این اطلاعات به صورت کلمه یا کلمه‌های کلیدی در صورت سؤال آمده‌اند).
- ۲ بعد از این که فهمیدید به دنبال چه نوع اطلاعاتی هستید آن‌ها را در متن پیدا کنید.
- ۳ چشمتان را روی متن حرکت دهید. (تمام کلمات را نخوانید).
- ۴ وقتی که آن اطلاعاتی را که به دنبالشان می‌گشتید پیدا کردید، سرعت خواندن خود را کم و آن جمله را بخوانید تا جواب را پیدا کنید.

← ظاهر سؤالات تیپ اول:

- According to the passage, _____ .
- The passage/ writer states that _____ .
- The passage/ writer mentions that _____ .
- It is mentioned/ stated in the passage that _____ .
- Which of the following questions does the passage answer?
- There is enough information in the passage to answer which of the following questions?

The photographer, Steve McCurry, remembers that moment too. It was 1984 and he was recording the lives of Afghan refugees in a camp in Pakistan. She was looking out of the school tent and he admits thinking at the time that picture would be nothing special. Yet the "Afghan girl", as the picture is now known, became, after a few years, one of the most iconic images. McCurry used her intense expression, so untypical of an average, carefree girl, to warn us not to ignore the victims of war, especially its young victims. (ریاضی ۹۷)

1. According to the passage, the picture Steve McCurry took from the Afghan girl

- 1) was one he himself knew would become famous
- 2) was made popular by National Geographic
- 3) gained people's attention later on
- 4) was an immediate success

پاسخ: **گزینه ۳** کلمه کلیدی این سؤال (Afghan girl) را در متن پیدا می‌کنیم و اطراف آن را می‌خوانیم:

Yet the "Afghan girl", as the picture is now known, became, after a few years, one of the most iconic images.

با توجه به قسمت مشخص شده، گزینه ۳ را انتخاب می‌کنیم.

Dolphins are highly social animals, often living in pods of up to a dozen individuals, though pod sizes and structures vary greatly between species and locations.

شاید در ابتدا از کلمات سخت ترسیده باشید و فکر کنید که تست سختی است؛ اما بر خلاف ظاهر ترسناکش تست ساده‌ای است. با توجه به قسمت مشخص شده در جمله اول می‌فهمیم که دلفین‌ها حیوانات اجتماعی هستند و همین موضوع در گزینه ۴ آمده است.

تیپ پنجم - موضوع پاراگراف بعدی یا قبلی

اگر موضوع پاراگراف بعد از متن را از شما بخواهند، از اواسط پاراگراف آخر شروع به خواندن کنید تا در حال و هوای آن پاراگراف قرار بگیرید و بتوانید موضوع پاراگراف بعدی را حدس بزنید و اگر موضوع پاراگراف قبلی را بخواهند، باید چندین خط اول پاراگراف اول را بخوانید و بر اساس آن موضوع پاراگراف قبلی را بفهمید.

ظاهر سؤالات تیپ پنجم:

What does the paragraph before this passage most probably discuss?

The paragraph following this passage would most probably discuss

Beyond living longer and healthier lives, we may want happiness for other reasons. Many people believe that each of us exists for a specific purpose.

Although there are many beliefs about that purpose, almost all people agree that life is purposeful.

However, perhaps as we put our lives in line with our purpose, we became happier. Said another way, perhaps the closer we got to true happiness, the closer we are realizing the purpose for our time on Earth.

I do not know the nature of that purpose, but I believe that happiness is vital to it.

1. What does the paragraph before this passage most probably discuss?

- 1) Some reasons why people look for happiness.
- 2) Reasons why people are living longer.
- 3) What the purpose of life is.
- 4) Examples of happy people.

پاسخ: گزینه ۱ پاراگراف قبل از این متن به احتمال زیاد درباره چه چیزی صحبت می‌کند؟
با خواندن چند جمله اول متن، می‌فهمیم که پاراگراف قبلی درباره دلایلی که مردم به دنبال خوشحالی هستند صحبت می‌کرده است.

تیپ ششم - رابطه بین دو یا چند پاراگراف در متن

برای پاسخگویی به این سؤالات باید ابتدا هر پاراگراف را skim کنید، موضوع آن را بفهمید و سپس ببینید بین پاراگراف‌ها چه رابطه‌ای وجود دارد.

ظاهر سؤالات تیپ ششم:

Which of the following best describes the function of sentence below?

Which one of the following best describes the function of paragraph 3 in relation to paragraph 1 and 2?

Television has become so widespread that many British children now combine it with other activities, including social networking online, looking from their laptop to the TV screen and back again. Even if they are concentrating on the television, young people are now unwilling to watch just one program, with boys in particular often switching between channels to keep up two programs at the same time. The survey, conducted by the market research agency Childwise, will increase worries that childhood is increasingly about private space and sedentary activities and less about play, social interaction or the child's own imagination.

The government's recent Children's Plan focused on improving play facilities as a means of ensuring a more balanced life for young people who spend a lot of time watching television. Today's survey findings show that after decreasing for three years, television-watching among children is now increasing again. This is mainly the result of more girls watching television series.

Internet use is also continuing to increase rapidly. This means British children spend an average of five hours and 20 minutes in front of a screen a day, up from four hours and 40 minutes five years ago. Reading books for pleasure, on the other hand, continues to decrease as a regular pastime. While four out of five children read books in their own free time, only a quarter do so daily and 53% at least once a week. (انسانی ۹۶)

1. Which one of the following best describes the function of paragraph 3 in relation to paragraph 1 and 2?

- 1) It denies the seriousness of the problem described in those paragraphs.
- 2) It modifies the claim of those paragraphs through facts and figures.
- 3) It provides an exception to the rule mentioned in those paragraphs.
- 4) It further supports the points made in those paragraphs.

پاسخ: گزینه ۴ با skim کردن هر پاراگراف و پیدا کردن موضوع آن‌ها متوجه می‌شویم که پاراگراف سوم در حمایت از پاراگراف اول و دوم آمده است.

تست‌های گرامر

Grammar Tests



افعال وجهی - ساختار معلوم و مجهول

- آموزش ۶۰٪
2625. The five great lakes of the world _____ in Michigan.
 1) can find 2) can be found 3) can found 4) can be find
2626. That new bridge _____ before the first snow hits this winter.
 1) may finish 2) may be finished 3) may finished be 4) may been finished
2627. The application form _____ carefully to make sure we don't miss anything.
 1) should fill out 2) should be filled out 3) should to be filled out 4) should be fill out
2628. You _____ your car in front of the garage entrance anytime.
 1) shouldn't be parked 2) can't park 3) don't have be parked 4) wouldn't be parked
2629. The bill _____ before leaving the restaurant.
 1) must be paid 2) may be paid 3) had paid 4) may pay
2630. Some dangerous gases _____ when garbage is burned.
 1) may produce 2) should produce 3) may be produced 4) should be produced
2631. Changing waste to energy _____ one of the most helpful ways to preserve the resources of the earth.
 1) can consider 2) can be considered 3) could consider 4) could be considered
2632. Mom says we _____ watch TV after we've finished our homework.
 1) can be 2) must be 3) can 4) must
2633. Psychologists say that it is essential that an infant _____ loving attention.
 1) should be given 2) should give 3) may give 4) may be given
2634. Problems with policies _____ to the customer service manager.
 1) should reported 2) be should reported 3) should be reported 4) should report
2635. She wanted to go on the cruise to Tahiti, but she _____ such a luxurious trip as it would cost her a fortune.
 1) can be afford 2) may be afford 3) must be afford 4) couldn't afford
2636. Anorexia nervosa is a potentially life-threatening illness and _____ as soon as possible.
 1) might be treated 2) might treat 3) can be treated 4) should be treated
2637. I believe more apartment must _____ to the workers.
 1) be built given 2) be built and given 3) built and give 4) be built and give
2638. The new book has been recently written _____ very soon.
 1) will be published 2) will publish 3) would publish 4) are publishing
- مع تثبیت ۸۰٪
2639. A mere repetition of other people's research _____ true scientific research.
 1) cannot call 2) cannot be called 3) may be called 4) may call
2640. How differences between men and women _____ for our mutual benefit in everything from our relation with one another to a better understanding of how our brains work.
 1) might be used 2) can use 3) might use 4) is used
2641. As the room fell silent, only the ticking sound of an old clock _____.
 1) could be heard 2) hear 3) could hear 4) must be heard
2642. I don't know if this is a problem that _____, but it might be something we should be trying to figure out.
 1) must be solving 2) should be solving 3) can be solved 4) may be solved
2643. What is considered impolite in one language _____ impolite in another language.
 1) may not consider 2) may not be considered 3) may be consider 4) should be considered
2644. It is absurd to believe that young children _____ faster than policemen.
 1) can be run 2) is running 3) can run 4) could be run
2645. Others argue that more bus routes _____ up because buses can accommodate more passengers.
 1) can be opened 2) will open 3) may be opened 4) should be opened

۵۴ گزینه ۱ اقیانوس آرام بزرگ‌ترین اقیانوس است. در جهان است. چون Pacific یک اسم بی‌همتا و شناخته شده است، باید از the استفاده کنیم. (حذف گزینه ۲) قبل از صفت‌های عالی the به کار می‌رود. (حذف گزینه ۴) world یک اسم بی‌همتا و شناخته شده است بنابراین با the به کار می‌رود. (حذف گزینه ۳)

۵۵ گزینه ۱ جان دارد در سمت اشتباه خیابان رانندگی می‌کند! او تصادف خواهد کرد.

اگر بخواهیم با استفاده از نشانه و شواهد موجود، عملی را در آینده پیش‌بینی کنیم، از be going to استفاده می‌کنیم. در این تست چون فرد با توجه به شواهد (رانندگی در مسیر غلط) پیش‌بینی می‌کند که John تصادف خواهد کرد، باید از be going to استفاده کنیم.

۵۶ گزینه ۳ من هر سال سه هفته تعطیلات زمستانی را در جزیره کیش می‌گذرانم. بررسی گزینه‌ها

برای اسامی شهرها از the استفاده نمی‌کنیم. هم چنین Kish Island یک اسم خاص است و باید با حرف بزرگ شروع شود. بنابراین تنها گزینه صحیح، گزینه ۳ است.

۵۷ گزینه ۲ الف: «من نمی‌دانم این دوچرخه را چگونه تعمیر کنم.» ب: «کار تو نیست. نگران نباش. من برای تو این دوچرخه را تعمیر خواهم کرد.» بررسی سایر گزینه‌ها

در مورد نقطه چین دوم، برای بیان پیشنهاد از will استفاده می‌کنیم. در این تست چون فرد دارد پیشنهاد تعمیر کردن دوچرخه را می‌دهد، باید از will استفاده کنیم. (حذف گزینه‌های ۱ و ۴)

با توجه به قسمت دوم تست و معنای جمله‌ها، متوجه می‌شویم که نقطه چین اول را باید با صفت ملکی your کامل کنیم. (حذف گزینه ۳)

۵۸ گزینه ۳ یک دستگاه اشعه ایکس، پرتو تابش کنترل شده‌ای را تولید می‌کند که تصویری از درون بدن شما می‌دهد.

image x-ray با حرف صدادار خوانده می‌شود پس an می‌گیرد. در نقطه چین دوم به the احتیاج داریم.

۵۹ گزینه ۲ علی می‌خواست برای تولد او یک دوربین بخرد، اما تصمیم گرفت به جای آن، مقداری پول به او بدهد.

برای بیان عملی که قصد انجام آن را در زمان گذشته داشتیم ولی انجام نشده است، از این ساختار استفاده می‌کنیم:

فعل ساده was / were + going to

در این تست چون فرد در گذشته قصد داشته برای تولد دوربین بخرد، اما بعد تصمیم گرفته است که به جای دوربین، پول بدهد، از ساختار بالا استفاده می‌کنیم.

۶۰ گزینه ۲ الف: «داخل جعبه در دست شما چیست؟» ب: «در آن یک عروسک برای دخترم است.»

کلمه box با توجه به توضیح بعد از آن (جعبه‌ای که در دست است)، معرّفه شده و به همین دلیل باید با the به کار رود. (حذف گزینه‌های ۱ و ۳)

doll بعد از نقطه چین دوم یک اسم مفرد نکره است و چون با حرف صدادار شروع نشده است، باید قبل از آن a به کار ببریم. (حذف گزینه ۴)

۶۱ گزینه ۳ الف: «دریازه کندها چه می‌دانید؟» ب: «خوب، آن یک روستای عجیب نزدیک تیریز است.»

village اسم مفرد است بنابراین باید قبل از آن a یا an به کار ببریم. با توجه به این که unusual با حرف صدادار شروع شده است، از an استفاده می‌کنیم. (حذف گزینه‌های ۱ و ۴) برای اسم شهرها از the استفاده نمی‌کنیم. (حذف گزینه ۲)

۶۲ گزینه ۲ الف: «می‌خواهی با ما به مهمانی بیایی؟» ب: «نه، من قصد دارم ماشینم را بشویم.»

با توجه به این که گوینده و شنونده می‌دانند منظور کدام مهمانی است، باید نقطه چین اول را با the کامل کنیم. زیرا party یک اسم معرّفه است و چون فرد از قبل تصمیم به شستن ماشین گرفته است، باید از be going to استفاده کنیم.

۶۳ گزینه ۲ بهترین دوستانم اهل یک کشور اروپایی است. او اهل انگلستان است.

اگرچه European country با حرف E شروع شده ولی چون هنگام تلفظ صدادار ادا نمی‌شود قبل از آن a به کار می‌بریم. (حذف گزینه‌های ۳ و ۴) قبل از اسم کشورها the نمی‌آید. (حذف گزینه ۱)

۴۴ گزینه ۲ من یک گوشی هوشمند نیاز دارم که بتوانم با آن ایمیل‌هایم را چک کنم و از فیس‌بوک استفاده کنم.

بررسی گزینه‌ها
بعد از نقطه چین اول اسم عام مفرد نکره (smart phone) به کار رفته است و به همین دلیل باید نقطه چین را با a کامل کنیم. (حذف گزینه‌های ۱ و ۳) بعد از نقطه چین دوم اسم (email) داریم و می‌دانیم قبل از اسم‌ها می‌توانیم از صفت‌های ملکی (my, your, ...) استفاده کنیم و با توجه به این که فاعل جمله I است باید my را به کار ببریم. (حذف گزینه ۴)

۴۵ گزینه ۴ الف: «چرا یک تکه کاغذ در دست داری آنکه داشتی؟» ب: «من تصمیم دارم به دوستاتم که در تهران ساکن هستند یک نامه بنویسم.»

بررسی گزینه‌ها
گزینه ۱: با توجه به این که از قبل تصمیم گرفته است که برای دوستانش نامه‌ای بنویسد، باید از be going to استفاده کنیم. (حذف گزینه ۱)

گزینه ۲: letter یک اسم مفرد ناشناخته است و باید قبل از آن a به کار برود. (حذف گزینه ۲)

گزینه ۳: قبل از اسم شهرها the به کار نمی‌رود. (حذف گزینه ۳)

گزینه ۴: این گزینه درست است.

۴۶ گزینه ۱ من فکر می‌کنم که او مدال برنز مسابقه را برنده خواهد شد. برای پیش‌بینی براساس نظر شخصی از will استفاده می‌کنیم. در این تست چون فرد براساس نظر خودش می‌گوید که او مدال برنز در مسابقه را خواهد برد، باید از will استفاده کنیم. (حذف گزینه‌های ۳ و ۴) بعد از نقطه چین دوم اسم مفرد (medal) به کار رفته است و چون مشخص شده که مدال برنز است باید نقطه چین را با the کامل کنیم. (حذف گزینه ۲)

۴۷ گزینه ۳ ما تصمیم داریم جمعه شب دور هم جمع شویم و تولد او را جشن بگیریم. برای بیان کارهایی که از قبل تصمیم به انجام دادن آن گرفته باشیم، از be going to استفاده می‌کنیم. (حذف گزینه ۲) بعد از نقطه چین سوم، اسم (birthday) داریم، بنابراین باید نقطه چین را با صفت ملکی (my, your, his, ...) کامل کنیم نه با یک ضمیر (him). هم چنین اسامی روزهای هفته با حرف بزرگ نوشته می‌شوند. (حذف گزینه ۱) ایراد گزینه ۴ این است که قبل از اسامی روزها the به کار نمی‌رود.

۴۸ گزینه ۱ الف: «تعطیلات به کجا می‌روی؟» ب: «هنوز نمی‌دانم. شاید به چین بروم.»

برای تمایل یا عدم تمایل برای انجام کاری از will استفاده می‌کنیم. (حذف گزینه‌های ۳ و ۴) هم چنین قبل از اسم کشورها نمی‌توانیم the به کار ببریم. (حذف گزینه ۲)

۴۹ گزینه ۴ اگر سه کابیت انوار ا بردارید، یک کاست مجانی خواهید گرفت. برای بیان پیشنهاد از will استفاده می‌کنیم. در این تست چون فرد پیشنهاد یک کاست رایگان به ازای خرید سه کاست را داده است، باید از will استفاده کنیم.

۵۰ گزینه ۲ من یک دختر یک ساله دارم. برادرم برایش یک پخش کننده MP۳ خرید، اما نمی‌دانست که برایش مفید نیست.

اگر چه بعد از نقطه چین اول one به کار رفته ولی باید از a استفاده کنیم چون «one» در این کلمه (one) به صورت صدادار تلفظ نمی‌شود. (حذف گزینه‌های ۱ و ۳) بعد از نقطه چین دوم MP۳ به کار رفته و چون تلفظ «M» صدادار است باید an بیاوریم. (حذف گزینه ۴)

۵۱ گزینه ۲ این ا عکس‌های این‌جا خیلی بهتر از عکس‌های کتاب هستند. بعد از نقطه چین اول و دوم، اسم جمع photos داریم، بنابراین چون this و that با اسم مفرد به کار می‌روند گزینه‌های ۱ و ۴ حذف می‌شوند. بعد از نقطه چین اول here (این‌جا) به کار رفته است، بنابراین باید نقطه چین را با these، که اشاره به نزدیک است کامل کنیم. (حذف گزینه ۳)

۵۲ گزینه ۳ دانشگاه، یک مؤسسه تحقیقاتی و آموزش عالی است که مدارک علمی در رشته‌های مختلف را اعطا می‌کند.

university با حرف صدادار خوانده نمی‌شود پس a می‌گیرد. (حذف گزینه‌های ۲ و ۴) institution با حرف صدادار شروع شده پس an می‌گیرد. (حذف گزینه ۱)

۵۳ گزینه ۱ دانشگاه‌های آکسفورد و کمبریج، دو دانشگاه از معروف‌ترین دانشگاه‌های اروپا هستند.

قبل از اسم جمع universities نمی‌توانیم از a استفاده کنیم. (حذف گزینه ۳) قبل از صفت‌های عالی the به کار می‌رود. (حذف گزینه ۲) قبل از Europe نمی‌توانیم the به کار ببریم. (حذف گزینه ۴)

۲۱۴. **گزینه ۳** این نوع گیاهی که در اینجا کمیاب است، عموماً در کوه‌های آمریکای جنوبی یافت می‌شود.

- (۱) سرانجام (۲) بی‌خطر
(۳) عموماً (۴) شدیداً

۲۱۵. **گزینه ۴** او تا همین اواخر قدرتمندترین بانکدار این شهر بود، اما تعدادی بانکدار قدرتمندتر کار را شروع کرده‌اند.

- (۱) به طور طبیعی (۲) عموماً
(۳) به طور منظم (۴) اخیراً، اواخر

۲۱۶. **گزینه ۱** حالت‌های چهره شما نیز کمک می‌کند تا بر بخش‌هایی از سخنرانی شما تأکید کند: سعی کنید لبخند بزنید، ابروهایتان را بالا ببرید.

- (۱) حالت‌ها (۲) ارتباطات
(۳) تلفظ‌ها (۴) مکالمات

۲۱۷. **گزینه ۳** بچه‌ها نجات یافتند اما آتش خانه‌شان را خراب کرد.

- (۱) گرفتن
(۲) رنج بردن
(۳) نابود کردن، خراب کردن
(۴) صدمه زدن

۲۱۸. **گزینه ۱** مادر از معلم درخواست کرد تا او را از پیشرفت فرزندش در مدرسه مطلع نگه دارد.

- (۱) مطلع از (۲) علاقه‌مند به
(۳) مراقب درباره (۴) دوستانه نسبت به

۲۱۹. **گزینه ۴** همسرم به من گفت که لباس‌هایم را عوض کنم چون او فکر می‌کرد من به طور مناسبی برای مهمانی لباس نپوشیدم.

- (۱) به طور جدی (۲) شخصاً
(۳) عموماً (۴) به طور مناسبی

۲۲۰. **گزینه ۴** هیچ تعجیبی ندارد که نیل در آن دوره آموزشی چیزی زیادی یاد نگرفت، او واقعاً (در حقیقت) آن‌طور که باید به طور منظم در کلاس‌ها حاضر نشده، در حالی که باید حضور پیدا می‌کرد.

- (۱) واقعاً (۲) ضرورتاً
(۳) به طور عاطفی و احساسی
(۴) به طور مرتب

۲۲۱. **گزینه ۳** این روزها مردم به‌طور فزاینده‌ای به تلویزیون وابسته‌اند، در حقیقت، آن‌ها تاکنون به اندازه آن توسط آن چیزی که آن‌جا می‌بینند تحت تأثیر نبوده‌اند.

- (۱) ناگهان (۲) بی‌سروصدا
(۳) به صورت فزاینده (۴) امیدوارانه

Cloze Test

قوانین مربوط به این که پنهان کردن یا آشکار کردن احساسات چقدر شایسته یا مناسب است، از یک کشور تا کشور دیگری فرق دارد. برای مثال، ژاپن کشوری است که در آن به کنترل ابراز احساسات منفی اهمیت زیادی داده می‌شود، تا حدی که این احساسات اغلب توسط لیخند پنهان می‌شوند. این بدان معنا نیست که ژاپنی‌ها، احساسات غم، ترس یا تنفر را تجربه نمی‌کنند. به عبارت دیگر، به آن‌ها آموزش داده می‌شود که نشان دادن این احساسات در جمع مؤدبانه نیست. با این وجود، در خلوت شخصی، این احساسات به همان شیوه سایر کشورها ابراز می‌شود.

۲۲۲. **گزینه ۱**

- (۱) مناسب (۲) سرگرم‌کننده
(۳) متوسط (۴) در معرض خطر

۲۲۳. **گزینه ۲**

- (۱) با این وجود (۲) برای مثال
(۳) وقتی که (۴) اگر

۲۲۴. **گزینه ۴**

- (۱) تفاوت (۲) تمرین
(۳) افزایش (۴) اهمیت

بلکه تعداد آن‌ها را در طول ۳۰ سال آینده به شکل معناداری افزایش دهند. این اقدامات در زمان وقوع سریع تغییرات، برای کمک به ماهی‌ها و حیات وحش و زیستگاه‌هایشان برای تطابق با تغییرات عمده، حیاتی هستند.

برنامه باغی برای حیات وحش مربوط به قدراسیون ملی حیات وحش به مردم کمک می‌کند جمعیت حیات وحش و زیستگاه آن‌ها در شهرها، شهرک‌ها و محله‌های ما را بازیابی کنند. برنامه از سال ۱۹۷۳ در حال آموزش و توانمندسازی مردم برای تبدیل قطعه کوچکی از زمین - حیاط‌ها و باغ‌هایشان - به زیستگاه‌های پیشرفته‌ای برای پرندگان، پروانه‌ها و دیگر حیات وحش است. برنامه باغی برای حیات وحش با این کار به حیات وحش کمک می‌کند و باعث ارتباط روزمره مردم با دنیای طبیعی می‌گردد. دانشمندان برآورد می‌کنند که بیش از یک سوم گونه‌های ایالات متحده در خطر فزاینده انقراض هستند و در حال حاضر بیش از ۱۳۰۰ گیاه و جانور ایالات متحده به عنوان گونه‌های مورد تهدید یا در معرض خطر و محافظت شده طبق قانون گونه‌های در معرض خطر، در فهرست فدرال قرار گرفته‌اند.

قدراسیون ملی حیات وحش مدت‌هاست که بر حفاظت از ارزشمندترین گونه‌های وحشی ما تمرکز کرده است. ما ملزم به دفاع، تقویت، تأمین وجه و تضمین اجرای مؤثر قانون گونه‌های در معرض خطر و دیگر قوانین حیات وحش با حداکثر مزایا برای جمعیت‌های ماهی و حیات وحش هستیم.

۲۰۸. **گزینه ۴** نویسنده، تمام اطلاعات را در ارتباط با حفاظت از حیات وحش ارائه کرده است به جز _____.

- (۱) اقدامات داخلی مرسوم، کمک می‌کنند تا برخی از گونه‌ها به راحتی روی زمین زندگی کنند
(۲) به کارگیری رویکردهای مختلف برای دستیابی به مناسب‌ترین گزینه برای حفاظت از حیات وحش
(۳) حفاظت از ارزشمندترین گونه‌ها در برابر انقراض
(۴) حمایت از سیاست حفاظت

۲۰۹. **گزینه ۱** چه چیزی باعث می‌شود تمرکز پاراگراف دوم نسبت به بقیه پاراگراف‌ها متفاوت باشد؟

- (۱) اقداماتی را بیان می‌کند که اگر بخواهیم حیات وحش رنده بماند، باید عملاً انجام شوند.
(۲) داده‌های آماری مربوط به کاهش گونه‌های مختلف را به جای بحث درباره موضوع نشان می‌دهد.
(۳) میزان انقراض در آینده نزدیک را برآورد می‌کند.
(۴) درباره تأثیر آموزش بر درک مردم از حیات وحش صحبت می‌کند.
۲۱۰. **گزینه ۲** نویسنده در پاراگراف چهارم، چگونه خطری را که حیات وحش با آن مواجه است _____ توضیح می‌دهد.
(۱) با استفاده از جملات مربوط به این ایده که باید از گونه‌های متعدد محافظت شود
(۲) با ارائه داده‌های آماری برای نشان دادن این که بحث، چقدر مهم و خاص شده است
(۳) از طریق دفاع، تقویت، تأمین وجه و تضمین گونه‌های در معرض خطر
(۴) با نشان دادن این که ارزشمندترین گونه‌ها، چقدر جدی محافظت می‌شوند

۲۱۱. **گزینه ۲** عنوان مناسب برای متن می‌تواند _____ باشد.

- (۱) قدراسیون ملی حیات وحش (۲) حفاظت از حیات وحش
(۳) بازیابی جمعیت‌های حیات وحش (۴) حفاظت از گونه‌های در معرض خطر

پاسخ سوالات کنکور

۲۱۲. **گزینه ۳** الف: «آیا می‌دانستی که ماریا دارد ازدواج می‌کند؟»

- ب: «نه، من نمی‌دانستم، چه عالی!»
(۱) امیدوار (۲) ایمن
(۳) عالی (۴) متفاوت

۲۱۳. **گزینه ۴** او وقتی که صاحب مغازه درباره آن کالا (محصول) توضیح می‌داد، آنقدر که لازم بود توجه نکرد، بنابراین او بعداً دریافت که آنچه خریده بود، مورد استفاده کمی برای او داشت.

- (۱) آهنگ، تلفظ (۲) استرانی
(۳) افزایش (۴) توجه

را مصرف می کند تا انرژی تولید نماید، در حالی که سلول های اسپیتولریکوس، میتوکندری ندارند. بیشتر بی هوازی ها که تاکنون کشف شده اند میکروبها هستند و برای دریافت انرژی از نوعی تخمیر استفاده می کنند. در واقع برخی از بی هوازی ها در حضور (مجاورت) اکسیژن می میرند.

۲۳۱. **گزینه ۱** مهم ترین هدف این متن چیست؟ معرفی یک گونه خاص با توجه به جمله آخر پاراگراف اول و جمله اول پاراگراف دوم، گزینه «۱» صحیح است.

۲۳۲. **گزینه ۴** کدام یک از موارد زیر در مورد گونه های بی هوازی در متن آمده است؟ آن ها قادرند در محیط های بدون اکسیژن زنده بمانند. با توجه به خط ۲ پاراگراف ۲، گزینه «۴» صحیح است.

۲۳۳. **گزینه ۳** واژه which در پاراگراف ۲ به چه چیزی اشاره دارد؟ which به mitochondria برمی گردد.

۲۳۴. **گزینه ۲** کدام یک از دلایل تکنیکی زیر در متن نیامده است؟ به همه موارد غیر از گزینه «۲» اشاره شده است.

Lesson 2 Wonders of Creation

گرامر

۲۳۵. **گزینه ۳** او به من یک گلدان مصری سیاه کوچک داد. با توجه به



گزینه «۳» صحیح است.

۲۳۶. **گزینه ۲** او اخیراً با یک خانم یونانی جوان زیبا ازدواج کرده است. با توجه به



گزینه «۲» صحیح است.

۲۳۷. **گزینه ۲** ما یک ساعت ایتالیایی قدیمی زیبا داریم. با توجه به



گزینه «۲» صحیح است.

۲۳۸. **گزینه ۳** احساس خیلی بدی نداشته باش! خواهر من حتی از تو هم جاق تر هست.

چون مقایسه بین دو نفر (you و my sister) است باید از صفت تفضیلی استفاده کنیم. fat صفت تک بخشی است؛ بنابراین باید به انتهای آن er اضافه کنیم و سپس than به کار ببریم. اگر گزینه «۲» را انتخاب کرده ایم، در تله تستی افتاده ایم چون اگر صفتی به حرف بی صدا (l) ختم شود و قبل از آن حرف صدادار (a) باشد، حرف بی صدا تکرار می شود و به همین دلیل گزینه «۲» غلط است.

۲۳۹. **گزینه ۱** تو فکر می کنی کدام یک خنده دارتر است، جکی جان یا مستربین؟

چون می خواهیم جکی جان و مستربین را مقایسه کنیم باید از صفت تفضیلی استفاده کنیم. برای ساختن صفت تفضیلی از صفت های دو بخشی که به y ختم می شوند، از er استفاده می کنیم. (حذف گزینه «۳» اگر صفتی به y ختم شود موقع اضافه کردن er به انتهای آن y را باید به i تبدیل کرد. (حذف گزینه «۲» با توجه به این که قسمت دوم مقایسه بعد از نقطه چین نیامده است، احتیاجی به استفاده از than نیست. (حذف گزینه «۴»)

۲۲۵. **گزینه ۴** بعد از نقطه چین اسم جمع (feelings) داریم، بنابراین نقطه چین با these کامل می شود.

۲۲۶. **گزینه ۳**

- (۱) دشت (۲) حیات وحش
(۳) شیوه، راه، روش (۴) برنامه زمان بندی شده

Reading 1

مباحث محیطی مربوط به انسان چیز جدیدی نیستند. مشکل جنگل زدایی، بیابان زایی، آلودگی آب، تغییر اقلیم و انقراض گونه ها تماماً در تاریخ زمین ایجاد گشته اند. با این حال با علم و فناوری پیشرفته امروز، مردم می توانند آسیب های بزرگ تری به طبیعت وارد کنند و آن را به طور سریع تری انجام دهند. بعدها هم تأثیرات ترکیب می شوند. از طرف دیگر، به سبب رشد جمعیت، انسان ها بیشتر تشویق می شوند از منابع طبیعی استفاده کنند تا نیازهای جمعیت فزاینده را تأمین کنند، اگر چه که می دانند کاری که انجام می دهند بدون عواقب محیطی نیست. اما بیشتر از همه اصلاحات محیطی بشر ساخت خیلی محدود نمی شوند به سطح بومی یا ناحیه ای، بلکه در حال گسترش در کل سیاره هستند.

دلیل آسیب محیطی به طور عمیقی ریشه در فرهنگ بشر دارد. به واسطه صدها سال صنعتی سازی و استخراج منابع طبیعی، انسان ها دارند بر این فرض عمل می کنند که ما بهترین گونه ها روی زمین هستیم. به خاطر هوش، علم و قدرت و ماده گرایی مان، احترام به طبیعت را از دست داده ایم که به طور کلی تخریب ما در طولانی مدت نتیجه خود را می دهد. در دنیایی که استانداردهای ماده گرایی مسلط هستند، مردم به طور غیر بیهوشی از منابع طبیعی بیشتری استفاده می کنند؛ چون در چشم جامعه، اندازه نهایی موفقیت ثروت شخصی قلمداد می شود.

۲۲۷. **گزینه ۱** تمام موارد زیر به عنوان عوامل ایجاد کننده خسارت انسانی بیشتر به محیط زیست مطرح شده، به غیر از ...

- (۱) انقراض حیوانات و گیاهان
(۲) فناوری پیشرفته تر
(۳) رشد جمعیت انسانی
(۴) قسمتی از فرهنگ انسان

۲۲۸. **گزینه ۲** کلمه «it» در پاراگراف ۱ اشاره دارد به ...

- (۱) زمین
(۲) طبیعت
(۳) فناوری
(۴) آسیب به طبیعت

۲۲۹. **گزینه ۴** از متن نمی توان استنباط کرد که اگر انسان ها کمتر مادی گرا بودند، آنها باعث ...

- (۱) تخریب طولانی مدتشان را متوقف سازند
(۲) شروع به احترام بیشتری گذاشتن برای طبیعت شود
(۳) استفاده منطقی تری از منابع طبیعی کنند
(۴) باعث خسارت بومی خیلی کم تری نسبت به آسیب جهانی محیطی می شود
۲۳۰. **گزینه ۱** متن به طور ضمنی اشاره به این دارد که جامعه بشری فعلی ...
(۱) به طور کلی توسط استانداردهای مادی گرایانه اداره می شود
(۲) به زودی دید خودش را به عنوان جامعه برتر در این سیاره متوقف می سازد
(۳) از آسیب جهانی که در محیط به وجود می آورد آگاه نیست
(۴) به طور سریع تری در محیط عمل می کند، اگر می دانست که واقعاً محیط چقدر ارزشمند است

Reading 2

شاید شما فکر کنید که مردم توانایی زندگی در دامنه (طیف) وسیعی از محیط را دارند، از بیابان های گرم آفریقا و خاورمیانه تا یخچندان سبیری یا شمال کانادا. یک گونه هوشمند بودن، ما فهمیدیم چطور از آتش برای گرم کردن شرایط سرد استفاده کنیم، و به طور قابل توجهی پس از آن، آستگاه (تهویه هوا برای خنک کردن در اقلیم گرم (آب و هوای گرم)، اما طیف متنوعی از گونه ها توانایی زندگی در جایی را دارند که هیچ انسانی در آن جا زنده نمی ماند - افراتیون.

برای مثال، اسپینولریکوس سین زیا را در نظر بگیرید، یک موجود کوچک به اندازه یک میلی متر و کمی شبیه عروس دریایی، حیواناتی که این اواخر کشف (پیدا) شده اند، به ویژه جذاب ترند، از آن جا که توانایی زندگی بدون اکسیژن را دارند - یک چندسلولی بی هوازی، سلول بیشتر گونه ها حاوی میتوکندری است که اکسیژن

با توجه به معنی جمله قابل شمارش است. برای هر دو نفر یک زندگی شادی اور آرزو کرده است، بنابراین گزینه ۴ صحیح است.

۱.۴۲. گزینه ۱ این لیست کشورها براساس جمعیتشان در سال ۱۹۰۰ است. در گزینه ۲، قبل از nine از حرف a استفاده شده که غلط است. (حذف گزینه ۲) گزینه ۳ هم ایراد دارد چون ۲ صفر پشت سر هم خوانده نمی شود. (حذف گزینه ۳) در گزینه ۴، hundred نباید جمع بسته شود. (حذف گزینه ۴)

۱.۴۳. گزینه ۴ ما از معلم انتقاد خواهیم کرد اما فقط کمی. بعد از but می توانیم از only استفاده کنیم و می دانیم که در انگلیسی دو ساختار only a few و only a little را داریم. بنابراین فقط گزینه ۴ صحیح است.

۱.۴۴. گزینه ۴ کدام یک از جمله های زیر از نظر گرامری غلط است؟ بعد از hundred در گزینه ۴، باید اسم جمع years به کار می رفت و به همین دلیل گزینه ۴ غلط است.

۱.۴۵. گزینه ۱ ما از یک بچه شش ساله انتظار نداریم که بتواند خوب بخواند و بنویسد.

این تست را طرح کردیم تا با شما از صفت های ترکیبی مرکب سخن بگوییم. در این صفت ها چند اسم با استفاده از خط تیره به هم می چسبند و جمع هم بسته نمی شوند.

۱.۴۶. گزینه ۲ کدام یک از جمله های زیر از نظر گرامری درست است؟ در گزینه های ۱، ۲ و ۳، years باید به شکل year به کار می رفت، چون در صفت های مرکب که به وسیله خط تیره به هم می چسبند، اسم ها جمع بسته نمی شوند.

۱.۴۷. گزینه ۴ بخشی از موهای او دارد خاکستری می شود. یک اسم غیر قابل شمارش است اما اگر منظورمان قسمتی از مو باشد، یک اسم قابل شمارش است. در این تست چون منظورمان قسمتی از مو است، hair قابل شمارش است، جمع بسته می شود و با a few به کار می رود.

۱.۴۸. گزینه ۴ در قایق برای چمدانها جای زیادی وجود دارد. room به معنای «فضا، جا» غیر قابل شمارش است و نمی تواند جمع بسته شود. (حذف گزینه های ۱ و ۲) luggage هم یک اسم غیر قابل شمارش است و جمع بسته نمی شود. (حذف گزینه ۱)

۱.۴۹. گزینه ۲ معلم تنها تکالیف اندکی در طول ترم گذشته به ما داد. بعد از only، فقط a few و a little به کار می رود. (حذف گزینه های ۱ و ۳) با توجه به اسم جمع assignments باید از a few استفاده کنیم. (حذف گزینه ۱)

۱.۵۰. گزینه ۲ یک زبان در معرض خطر، زبانی است که گویشوران بسیار اندکی دارد. این تست را بر اساس جمله اول صفحه ۲۸ کتاب درسی سال یازدهم طرح کرده ایم. بعد از نقطه چین یک اسم قابل شمارش جمع (speakers) به کار رفته است. a few و نمی توانند قبل از very به کار روند. (حذف گزینه های ۱ و ۳) با توجه به مفهوم جمله باید few (تعداد کمی) را انتخاب کنیم. (حذف گزینه ۱)

۱.۵۱. گزینه ۳ چند نفر از دوستان من در حال یادگیری زبان انگلیسی هستند.

بعد از نقطه چین اسم جمع friends داریم. بعد از several می توانیم اسم جمع به کار ببریم. گزینه های ۱، ۲ و ۴ حذف می شوند چون با اسم های غیر قابل شمارش به کار می روند.

۱.۵۲. گزینه ۴ او همه ساعت ها کار می کند، صبح و شب، در هر آب و هوایی. بعد از all اسم جمع به کار می رود. (حذف گزینه ۱) ایراد گزینه ۳ این است که whether به معنای «یا» با weather به معنای «آب و هوا» فرق دارد. اگر گزینه ۲ را انتخاب کرده ایم، در تله تستی افتاد ما باید چون in all weathers یک اصطلاح است و به همین دلیل باید گزینه ۴ را انتخاب کنیم.

۱.۵۳. گزینه ۱ بخش بیرونی چترها اغلب با نقاشی هایی رنگارنگ از گل ها، پرندگان و چیزهای دیگر طراحی شده بود.

بعد از نقطه چین اسم جمع designs به کار رفته است. another (یکی دیگر) در گزینه ۲، قبل از اسم مفرد به کار می رود. (حذف گزینه ۲) بعد از others (دیگران) در گزینه ۳، اسم به کار نمی رود. (حذف گزینه ۳) one another (یکی دیگر) در گزینه ۴، به مفهوم جمله ارتباطی ندارد. (حذف گزینه ۴) بعد از other در گزینه ۱، هم اسم مفرد و هم اسم جمع به کار می رود و با توجه به این که بعد از نقطه چین اسم جمع داریم گزینه ۱ درست است.

۱.۲۹. گزینه ۱ اولین سفرم به پاریس تجربه فوق العاده ای بود. به چندتا نمایش مد رفتم و چند اثر تاریخی زیبا دیدم.

fashion صفت است و S جمع نمی گیرد. (حذف گزینه ۲) any در جملات سوالی و منفی به کار می رود. (حذف گزینه ۴) چون مفهوم جمله دوم مثبت است باید از a few استفاده کنیم. (حذف گزینه ۳)

۱.۳۰. گزینه ۴ مقداری پول برایم مانده است، ما می توانیم به خرید برویم. money یک اسم غیر قابل شمارش است و با a few به کار نمی رود. (حذف گزینه ۲) ایراد گزینه های ۱ و ۳ این است که با مفهوم جمله هم خوانی ندارند. (حذف گزینه های ۱ و ۳)

۱.۳۱. گزینه ۴ بیشتر شواهد در سال ۱۹۹۱ جمع آوری شده بود. evidence یک اسم غیر قابل شمارش است، بنابراین گزینه های ۱ و ۲ حذف می شوند. ایراد گزینه ۳ این است که یک of قبل از the کم دارد. (حذف گزینه ۳)

۱.۳۲. گزینه ۴ این قیمت برای زاکتی مثل این منطقی است، اما بیشتر از مقداری است که می خواهم خرج کنم. عبارت a bit more ترکیبی ثابت در زبان انگلیسی است. (حذف گزینه های ۱ و ۲)

۱.۳۳. گزینه ۴ بین ۱ تا ۳ ماهگی، وقتی پدر و مادر بچه حرف می زنند، او سرش را برمی گرداند تا لبخند بزند.

چون بعد از نقطه چین اول عدد three داریم باید از اسم جمع استفاده کنیم. (حذف گزینه ۱) در گزینه ۲، زمان فعل نباید گذشته باشد چون دارد به یک واقعیت اشاره می کند. (حذف گزینه ۲) ایراد گزینه ۳ این است که فعل (speaks) نباید S سوم شخص می گرفت چون فاعل جمع است. (حذف گزینه ۳)

۱.۳۴. گزینه ۲ اطلاعات زیادی به صورت آنلاین در دسترس است. information یک اسم غیر قابل شمارش است و جمع بسته نمی شود. (حذف گزینه های ۱ و ۳) برای اسم های غیر قابل شمارش از فعل مفرد استفاده می کنیم. (حذف گزینه ۴)

۱.۳۵. گزینه ۴ مری آنفولانزا گرفته و در خانه است. قبل از بعضی بیماری ها مثل flu باید the به کار رود. (حذف گزینه های ۱ و ۳) flu یک اسم غیر قابل شمارش است و S جمع نمی گیرد. (حذف گزینه ۲)

۱.۳۶. گزینه ۳ چه مقدار گرما لازم است تا یک گالن شیر گرم شود؟ بعد از how much باید اسم به کار رود. hot در گزینه ۴، صفت است و به همین دلیل این گزینه غلط است. milk اسم غیر قابل شمارش است و جمع بسته نمی شود. در حالی که در گزینه ۱، جمع بسته شده و غلط است. بعد از two باید اسم جمع به کار رود. اما در گزینه ۲، بعد از two اسم مفرد bottle به کار رفته است.

۱.۳۷. گزینه ۲ «کلمه» جغرافیا، یکی از ۲۰۰۰ کلمه پر کاربرد در انگلیسی است. geography با این که در این جمله به شکل جمع (geographies) به کار رفته است ولی یک «واحد» به حساب می آید و فقط اشاره به «یک» کلمه پر کاربرد دارد. بنابراین با فاعل مفرد می آید. (حذف گزینه های ۱ و ۳) بدیهی است که word در این جمله باید S جمع بگیرد. (حذف گزینه ۴)

۱.۳۸. گزینه ۴ تابستان سال گذشته، ما یک خانه یک خوابه با یک آشپزخانه کوچک اجاره کردیم.

ایراد گزینه های ۱ و ۲ این است که باید بعد از bedroom قرار بگیرد. ایراد گزینه ۲ این است که apartment نباید S جمع بگیرد و بعد از a هم خط تیره لازم نیست.

۱.۳۹. گزینه ۱ تعدادی از مردم از صبح برای مراسم خاکسپاری آمده اند. people یک اسم جمع است و S جمع نمی گیرد. (حذف گزینه ۲) با اسم جمع people باید از فعل جمع have استفاده کنیم نه has. (حذف گزینه ۴) چون قبل از number حرف a آمده است، نمی توانیم آن را جمع ببندیم. (حذف گزینه ۳)

۱.۴۰. گزینه ۱ جک در دعوا خیلی شجاع بود. brave صفت است و جمع بسته نمی شود. (حذف گزینه های ۱ و ۳) a در گزینه ۲ اضافی است. (حذف گزینه ۲)

۱.۴۱. گزینه ۴ برای هر دوی شما زندگی متأهلی بسیار شادی را آرزو می کنم. کلمه life هم می تواند قابل شمارش و هم غیر قابل شمارش باشد که در این مثال

نیست و به معنای «چون» است، بنابراین بعد از آن اسم مصدر نمی آید. (حذف گزینه ۳) چون اثر عمل در زمان حال باقی است، از حال کامل استفاده می کنیم. (حذف گزینه ۱)

۱۳۳۴. گزینه ۱ پدرم به عنوان یک معلم کار کرد. او سال گذشته بازنشسته شد. هر دو عمل «کار کردن» و «بازنشسته شدن» در گذشته رخ داده و به پایان رسیده است و هر دو را باید با گذشته ساده نشان دهیم.

۱۳۳۵. گزینه ۴ ماهر دو واقعاً صحبت کردن درباره آینده در خشانمان لذت بردیم. we فاعل جمع است و با فعل جمع به کار می رود. (حذف گزینه های ۲ و ۳) بعد از enjoy حرف اضافه to به کار نمی رود. (حذف گزینه ۱)

۱۳۳۶. گزینه ۱ از سال دوم دانشگاه همیشه به فرهنگ فرانسه علاقه مند بودم. in حرف اضافه interested است. (حذف گزینه های ۲ و ۳) چون زمان جمله، حال کامل است باید از since استفاده کنیم. (حذف گزینه ۲)

۱۳۳۷. گزینه ۲ طرح خانه جدید شبیه به آن قبلی هاست که ساخته شده اند. به خاطر وجود those باید از have استفاده کنیم. بعضی تست ها، مثل همین تست، بیشتر به دقت احتیاج دارد.

۱۳۳۸. گزینه ۴ من فکر کردم به جای خوردن قرص باید نزد دکتر بروم. بعد از should فعل باید به شکل ساده به کار رود. (حذف گزینه های ۱ و ۲) ایراد گزینه ۲، این است که pill اسم مفرد است و احتیاج به حرف a دارد. (حذف گزینه ۲)

۱۳۳۹. گزینه ۴ الف: «تا حالا غذای چینی نخورده ای؟» ب: «نه، هرگز نخورده ام.» زمان جمله اول حال کامل است، بنابراین بعد از have باید از pp. استفاده کنیم. (حذف گزینه های ۱ و ۲) در جمله منفی never به کار نمی رود. (حذف گزینه ۲) ۱۳۴۰. گزینه ۱ من به مدت ۱۶ سال به خارج از کشور رفتم و در آن جا واقعاً از کار کردن به عنوان یک معلم لذت بردم. با همسرم آشنا شدم و الان سه تا بچه دارم.

هر سه فعل «رفتن»، «لذت بردن»، «آشنا شدن» در گذشته رخ داده و به پایان رسیده است، بنابراین باید هر سه عمل را با زمان گذشته ساده نشان بدهیم. (حذف گزینه های ۲ و ۳) قبل از نقطه چین چهارم قید (now) داریم، بنابراین گزینه ۴ نیز حذف می شود.

۱۳۴۱. گزینه ۱ مری پسر کوچکش را در شلوغی گم کرد و پلیس را در دنبالش می گردد. نقطه چین اول باید با زمان حال کامل پر شود؛ چون اثر عمل گم شدن هنوز باقیست. (حذف گزینه های ۲ و ۳) اگر گزینه ۲ را انتخاب کرده ایم، در تله تستی افتاد باید چون look up به معنای «به دنبال لغت گشتن در فرهنگ لغت» است.

۱۳۴۲. گزینه ۱ سارا از وقتی که ده سال داشت خاطرات خود را نوشته است. گزینه ۲ غلط است چون بعد از have باید از p.p. استفاده کنیم. diary یک اسم مفرد است و باید a بگیرد. (حذف گزینه های ۳ و ۴)

۱۳۴۳. گزینه ۴ او امروز رخت های شستی را بیرون نگذاشته است. today از آن دسته قیدهایی است که می تواند نشانه زمان حال کامل باشد. (حذف گزینه های ۲ و ۳) laundry یک اسم غیر قابل شمارش است و s جمع نمی گیرد. (حذف گزینه ۱)

۱۳۴۴. گزینه ۱ نگران نباش. ما مقداری پول پس انداز کرده ایم. در ساختار حال کامل بعد از have قسمت سوم فعل می آید. (حذف گزینه ۲) فاعل جمله we است؛ بنابراین بعد از آن باید have بیاید نه has. (حذف گزینه ۳) با توجه به جمله اول، گزینه ۴ از نظر معنایی نمی تواند پاسخ درست باشد. (حذف گزینه ۴)

۱۳۴۵. گزینه ۴ زمان زیادی از آخرین باری که همدیگر را دیدیم گذشته است. گزینه ۱ چون has ندارد حذف می شود. (حذف گزینه ۱) اگر با صفت های «... long, short» بیاید، اسم قابل شمارش است و باید a بگیرد. (حذف گزینه ۳) for یا مدت زمان می آید نه مبدأ زمانی. (حذف گزینه ۲)

۱۳۴۶. گزینه ۲ الف: «آیا این زاکت را هنوز امتحان نکرده ای؟» ب: «نه، هنوز این زاکت را امتحان نکرده ام.» still در انتهای جمله به کار نمی رود. (حذف گزینه های ۳ و ۴) ایراد گزینه ۱ این است که برای نقطه چین دوم هم از yet استفاده کرده است، در حالی که yet فقط در انتهای جمله های منفی به کار می رود. (حذف گزینه ۱)

۱۳۴۷. گزینه ۴ کدام جمله از لحاظ دستوری صحیح است؟

تک تک گزینه ها را بررسی می کنیم:

گزینه ۱: بعد از عبارت tobeworth از اسم مصدر استفاده می کنیم. (حذف گزینه ۱) گزینه ۲: بعد از عبارت no good از اسم مصدر استفاده می کنیم. (حذف گزینه ۲) گزینه ۳: last week قید زمان گذشته است، در حالی جمله زمان حال کامل است. (حذف گزینه ۳)

گزینه ۴: این گزینه درست است.

۱۳۴۸. گزینه ۴ من و جک به مدت ۱۰ سال است که دوستان خوبی هستیم. من به او کمک کردم تا از دانشگاه فارغ التحصیل شود و او به من یاد داد که چگونه رانندگی کنم و به تازگی درباره دختری که می خواهد با او ازدواج کند به من گفته است. گزینه ۲ حذف می شود چون بعد از have باید از pp. استفاده می کرد. نقطه چین دوم و سوم با زمان گذشته ساده کامل می شوند چون مربوط به عملی هستند که در گذشته انجام شده است. (حذف گزینه ۱) yet در جملات منفی به کار می رود. (حذف گزینه ۳)

۱۳۴۹. گزینه ۳ وقتی برای خواندن آ زبان انگلیسی به تهران آمدم، کسی را نداشتم که با او صحبت کنم؛ اما الان دوستان خوبی پیدا کرده ام.

گزینه ۱ حذف می شود چون برای نقطه چین دوم ماضی بعید به کار برده است، در حالی که این نقطه چین باید با گذشته ساده کامل شود. آمدن به تهران عملی بوده که در گذشته به پایان رسیده است و باید از زمان گذشته ساده استفاده کنیم. (حذف گزینه ۲) در نقطه چین دوم هم باید از گذشته ساده استفاده کنیم. به دلیل وجود قید now قبل از نقطه چین سوم، در این نقطه چین زمان حال کامل می آید. (حذف گزینه ۴)

۱۳۵۰. گزینه ۲ چرا کسی باید بخواهد با تونی ازدواج کند. او به گونه ای رفتار می کند که اطرافیانش برایش مهم هستند، اما در واقعیت او یک پسر گستاخ و بی ادب است.

در جای خالی اول، از زمان حال ساده استفاده می کنیم چون به حقیقت کلی درباره تونی پرداخته ایم. گزینه ۱ غلط است چون با anyone باید فعل مفرد wants به کار رود نه want. در گزینه ۲، احتیاجی به جمع بستن reality نیست و این گزینه حذف می شود. قبل از نقطه چین دوم but داریم، بنابراین گزینه ۴ از نظر معنایی با جمله اول هم خوانی ندارد و حذف می شود.

۱۳۵۱. گزینه ۴ من نمی دانم چرا اصرار داری راجع به آن صحبت کنیم. در واقع این تست دقت شمارا می سنجد. یادتان باشد که insist با حرف اضافه on به کار می رود. (حذف گزینه های ۱ و ۲ و ۳)

۱۳۵۲. گزینه ۳ همه می دانند که ما آن حرف ها را نکرده ایم؛ اما کمیسیون هنوز تصمیمی نگرفته است.

در این تست می توانیم نقطه چین اول را هم با زمان حال و هم گذشته کامل کنیم، اما ایراد گزینه ۱ این است که با everybody فعل مفرد به کار می رود. همچنین the committee با فعل مفرد has به کار می رود. (حذف گزینه ۴) decision یک اسم مفرد است و باید قبل از آن حرف a به کار رود. (حذف گزینه ۲)

۱۳۵۳. گزینه ۳ اعمال ممکن است قوی تر از کلمات باشند، اما تو نمی توانی دردی را که آن کلمات به وجود آورده اند از بین ببری.

بعد از فعل کمکی can't، فعل به شکل ساده می آید. (حذف گزینه ۲) hurts در گزینه ۴ غلط است و باید به شکل hurt می بود. (حذف گزینه ۴) بعد از those باید اسم جمع words به کار رود. (حذف گزینه ۱)

۱۳۵۴. گزینه ۴ کار کردن با بچه ها همیشه لذت بخش است. جمله با اسم مصدر working، در نقش یک فاعل مفرد، شروع شده است، بنابراین فعل بعد از آن به شکل مفرد می آید. (حذف گزینه های ۱ و ۲) ایراد گزینه ۳ این است که بعد از has باید been می آمد.

۱۳۵۵. گزینه ۴ او آنقدر از صحبت کردن با مری لذت برد که همه مشکل را فراموش کرد.

بعد از فعل enjoy اسم مصدر (talking) به کار می رود. (حذف گزینه های ۱ و ۲) ایراد گزینه ۳ این است که باید به جای many از much استفاده می شد.

۱۳۵۶. گزینه ۴ حال او بسیار بد است چون دوستش را از دست داده است. با فاعل he فعل به شکل مفرد می آید. (حذف گزینه ۲) for این جا حرف اضافه

نکته: make a mistake به معنای «اشتباه کردن» است.

۲۱۰۳ **گزینه ۴** من تمام کارتونها را از حفظ هستم و تقریباً همه متن را به یاد سپرده‌ام که آن هم عالی بود.
(۱) با (۲) در (۳) به (۴) به وسیله

نکته: by heart به معنای «از حفظ» است.

۲۱۰۴ **گزینه ۴** کارآگاهان که هنوز به دنبال فرد مسلح هستند، معتقدند که گلوله به طور تصادفی شلیک شده است.
(۱) از (۲) برای (۳) بعد از (۴) به وسیله

نکته: by accident به معنای «به طور تصادفی» است.

۲۱۰۵ **گزینه ۲** جان سردی ثروتمند، خوش قیافه، شیک و از همه مهم‌تر فردی خاکی است.
(۱) به طور شگفت‌آوری (۲) مهم، از همه مهم‌تر (۳) مهربانانه (۴) امیدوارانه

نکته: most importantly به معنای «از همه مهم‌تر» است.

۲۱۰۶ **گزینه ۲** داروهایی مثل آسپرین، قرص‌های سرماخوردگی و سرفه و ویتامین‌ها با آب بهتر جذب می‌شوند.
(۱) انواع (۲) فرصت‌ها (۳) وظایف (۴) محصولات

۲۱۰۷ **گزینه ۴** بچه‌های کنجاو روزانه ۷۲ سؤال می‌پرسند - که والدین به بیشتر آن‌ها نمی‌توانند پاسخ دهند. تحقیقی نشان می‌دهد که یک کودک بین سنین ۲ تا ۵ سال حدود ۴۰۰۰۰۰ سؤال می‌پرسد.
(۱) یخشنده (۲) مذهبی (۳) جدی (۴) کنجاو

۲۱۰۸ **گزینه ۳** هرروز چالشی جدید است، فرصتی تازه برای تغییر زندگی و بر معناتر کردن آن.
(۱) محصول (۲) تضاد (۳) چالش (۴) قاعده کلی

۲۱۰۹ **گزینه ۲** الف: «آیا تو هم به جشن آن دعوت شده‌ای؟»
ب: «بله، اما متأسفانه نمی‌توانم در آن حاضر شوم. امروز خیلی مشغول هستم و هنوز کارهای زیادی برای انجام دادن دارم. به نظرت بهتر است از او عذرخواهی کنم؟»
الف: «به نظر من خوب است. مطمئناً تو را درک خواهد کرد»
(۱) مایه تأسف است (۲) ظاهراً خوب است (۳) از نظر من اشتباه است (۴) تعجبی ندارد

۲۱۱۰ **گزینه ۱** الف: «خب، اوضاع چطور است؟»
ب: «اوه باور نکردنی است. همراه با خانواده‌ام آخر هفته بسیار خوبی داشتیم. با هم به ماهی‌گیری، شکار، قایقرانی و سرنجام شنا رفتیم»
الف: «فوق‌العاده است»
(۱) اوضاع چطور است (۲) نکته این جاست (۳) چقدر فوق‌العاده (۴) عجیب به نظر می‌رسد

۲۱۱۱ **گزینه ۳** ماری: «خب ریتا توی این قطار چه می‌کنی؟»
ریتا: «دارم تعطیلاتم را به اتمام می‌رسانم. امروز آخرین روز من است. به سرتاسر اروپا رفتم، بیست و چهار روز، هفت کشور»
ماری: «اوه، حیف شد! باید این ایستگاه پیاده شوم. گوش کن، امشب با تو تماس می‌گیرم تا با هم بیرون برویم»
ریتا: «عالی است. امشب با هم صحبت می‌کنیم. خدا نگهدار»
(۱) از نظر من اشتباه است (۲) تعجبی ندارد (۳) مایه تأسف است، حیف شد (۴) تأثیربرانگیز است

۲۱۱۲ **گزینه ۱** وقتی او را دیدم خیلی غمگین به نظر می‌رسید زیرا سوای از تمام مشکلات مادی‌اش، همسرش هم او را ترک کرد.
(۱) بالاتر از، مهم‌تر از (۲) پایین‌تر از (۳) به نظر خوب می‌رسد (۴) اگر همه چیز خوب پیش رود

۲۰۸۹ **گزینه ۱** بهترین والدین آن‌هایی هستند که به فرزندان خود اجازه می‌دهند استعداد طبیعی خودشان را دنبال کنند.

(۱) دنبال کردن (۲) پشیمان شدن (۳) کشف کردن (۴) انتخاب کردن
۲۰۹۰ **گزینه ۳** مدیریت قصد دارد طی چند ماه آینده همه کامپیوترها را با مدل‌های جدیدتر جایگزین کند.

(۱) به اشتراک گذاشتن (۲) فراهم کردن (۳) جایگزین کردن (۴) تأسیس کردن
۲۰۹۱ **گزینه ۱** مسئله این است که چگونه آن چیزها کنار هم قرار می‌گیرند تا چیزی پیچیده و کاملاً سازمان‌یافته را شکل دهند.

(۱) کنار هم قرار گرفتن، به هم آمدن (۲) ادامه دادن (۳) پایین آمدن، پیاده شدن (۴) کنار آمدن، سر کردن
۲۰۹۲ **گزینه ۴** هرچند دو اتومبیل قیمت مشابهی دارند، به میزان قابل توجهی در مصرف بنزین بر حسب مایل متفاوت هستند.

(۱) شکست خوردن (۲) تلاش کردن (۳) ترجمه کردن (۴) تضاد داشتن، تفاوت داشتن
۲۰۹۳ **گزینه ۱** یک ضرب‌المثل هلندی وجود دارد که می‌گوید بهتر است با افتخار فقیر باشی تا با شرمندگی ثروتمند.

(۱) افتخار (۲) وظیفه (۳) حس (۴) میراث
۲۰۹۴ **گزینه ۳** می‌خواهم یک صفحه بیشتر از ۵ صفحه‌ای که به وسیله استادمان تعیین شده، برای مقاله بنویسم.

(۱) الهام، وحی (۲) توصیف (۳) علاوه بر (۴) نصب
۲۰۹۵ **گزینه ۱** لطفاً اطلاعات شخصی خود را این‌جا بنویسید و اگر اشتباه کردید، فقط خط بزنید. نیازی به غلط‌گیر نیست.

(۱) اشتباه کردن (۲) مسئولیت پذیرفتن (۳) مراقبت کردن از (۴) فرار گذاشتن
۲۰۹۶ **گزینه ۳** کارمندان ما دارند به سرعت کار می‌کنند تا خسارتی را که کولاک مسبب آن است، جبران کنند.

(۱) کمبود داشتن (۲) دریافت کردن (۳) تعمیر کردن، جبران کردن (۴) تولید کردن
۲۰۹۷ **گزینه ۱** اندازه کوچک و موقعیت مرکزی کشور بحرین در میان کشورهای حوزه خلیج فارس آن را مستلزم این می‌کند که در امور خارجی بین همسایه‌های بزرگ‌تر خود، نقش متعادل‌کننده حساسی را ایفا نماید.

(۱) موقعیت (۲) وضعیت (۳) راه حل (۴) وحی، الهام
۲۰۹۸ **گزینه ۱** اگرچه تعیین جرم یک کپکشان دشوار است، کمیت مهمی به حساب می‌آید چون در مورد منشأ و تکامل کپکشان، سرنخ‌های مهمی را به دانشمندان می‌دهد.

(۱) کمیت، تعداد (۲) کیفیت (۳) نقش (۴) مشتری
۲۰۹۹ **گزینه ۱** با این‌که راه‌های زیادی برای قرار دادن یک میخ داخل یک قطعه چوب وجود دارد، آسان‌تر این است که آن را با یک ابزار مناسب مثل چکش انجام دهید.

(۱) ابزار (۲) نشانه (۳) نکته (۴) هدیه
۲۱۰۰ **گزینه ۲** جک گلدان با ارزش مادرش را شکست، اما آن را از روی عمد انجام نداد. پس مادر عصبانی نبود.

(۱) هدیه (۲) گلدان (۳) ابزار (۴) وسیله
۲۱۰۱ **گزینه ۳** اگر باران شدید با جزر و مد خیلی بالا هم‌زمان می‌شد، سیل خطرناکی به بار می‌آورد.

(۱) سخت (۲) قوی (۳) سنگین (۴) آهسته

نکته: heavy rain به معنای «باران شدید» است.

۲۱۰۲ **گزینه ۲** حتی اگر اشتباه کنی و فراموش کنی که تغییر را دوباره انجام دهی، همیشه تاریخچه کاملی از تغییرات آن‌جا وجود دارد.
(۱) گرفتن (۲) درست کردن (۳) گرفتن (۴) انجام دادن

۲۱۲۷. **گزینه ۳** طبق یک مقاله پزشکی، بیشتر پزشکان بر این باورند که بعضی داروها هنگامی که به صورت جداگانه مصرف می‌شوند امن هستند اما می‌توانند در ترکیب باعث مرگ شوند.

(۱) موقعیت (۲) تصادف (۳) ترکیب (۴) نقش، عملکرد

۲۱۲۸. **گزینه ۳** آن‌ها تصمیم گرفتند مسابقه فوتبال را به خاطر باد شدید و باران سنگین لغو کنند. آن‌ها گفتند که به جایش هفته بعد برگزار خواهد شد. (۱) قوی-قوی (۲) سنگین-قوی (۳) قوی-سنگین (۴) سنگین-سنگین

۲۱۲۹. **گزینه ۱** تغییرات در حال رخ دادن بود، اگرچه در آن زمان هیچ‌کس کاملاً درک نکرد که این تغییرات تا کجا خواهد بود.

(۱) درک کردن، فهمیدن، قدردانی کردن

(۲) در نظر گرفتن

(۳) استخراج کردن

(۴) الهام بخشیدن، تشویق کردن

۲۱۳۰. **گزینه ۳** سالی به توانایی‌های خود اعتقاد زیادی دارد. او نمی‌خواهد کسی فکر کند که نمی‌تواند از عهده فشار برآید.

(۱) احساس کردن (۲) قرار دادن (۳) اداره کردن (۴) افزایش دادن

۲۱۳۱. **گزینه ۲** بعد از همه آن چیزهای بی‌رحمانه‌ای که درباره جودی گفتند، او فکر کرد که سزاوار عذرخواهی است و من با او موافقم.

(۱) پذیرفتن (۲) استحقاق داشتن، سزاوار بودن

(۳) تقاضا کردن (۴) پیشنهاد کردن

۲۱۳۲. **گزینه ۴** از سال ۱۹۹۶، ژاپن بزرگ‌ترین اهداکننده کمک‌های خارجی در جهان بوده است. کشورهای زیادی از ژاپن کمک دریافت کرده‌اند.

(۱) موسس (۲) کاربر (۳) معشوق (۴) اهداکننده

۲۱۳۳. **گزینه ۲** دکتر نیکسون به بسیاری از مسائل فناوری در کتابش اشاره نکرده است، اما معتقد است که فناوری راه‌حل‌هایی را برای آن‌ها نیز فراهم می‌کند. (۱) اجرا کردن (۲) فراهم کردن (۳) نیاز داشتن (۴) پیدا کردن محل

۲۱۳۴. **گزینه ۴** از هیچ هزینه‌ای برای توسعه فناوری لازم مضایقه نشد، به همین دلیل فناوری در بهترین شکل خود بود.

(۱) گذراندن (۲) پشیمان شدن

(۳) جمع کردن (۴) مضایقه کردن، کوتاهی کردن

۲۱۳۵. **گزینه ۲** در آن لحظه در با صدای شدیدی ناگهان باز شد و مردی با یک چاقو وارد شد. دختر کوچک آن قدر ترسید که نمی‌توانست جیغ بزند.

(۱) مکت کردن (۲) ناگهان باز شدن، ترکیدن

(۳) فریاد زدن (۴) ضربه زدن

۲۱۳۶. **گزینه ۴** دو روز پیش، برای مقداری خرید به یک سوپرمارکت رفتیم. در آن‌جا فروشنده توصیه کرد که محصولات را به تعداد زیاد بخریم چون خیلی ارزان‌تر می‌شد.

(۱) تولید (۲) کیفیت

(۳) فرایند (۴) کمیت، مقدار، به تعداد زیاد

۲۱۳۷. **گزینه ۳** در معنای دقیق‌تر، عشق بی‌قیدوشرط یعنی توجه کردن به شادی یک شخص دیگر بدون هیچ نگرانی که چطور ممکن است به شما سود برساند.

(۱) غیر ضروری (۲) غیر قابل تصور (۳) بی‌قیدوشرط (۴) غیر رسمی

۲۱۳۸. **گزینه ۱** مقامات ایران و آلمان توافقی را امضا کردند تا همکاری بین دو کشور را در زمینه امنیت هسته‌ای تقویت نمایند.

(۱) تقویت کردن، افزایش دادن (۲) الهام بخشیدن

(۳) نیاز داشتن (۴) جستجو کردن

۲۱۳۹. **گزینه ۲** فناوری آن قدر سریع تغییر می‌کند که کامپیوتری که یک دهه پیش خریده شد، عملاً امروز یک عتیقه محسوب می‌شود.

(۱) احترام گذاشتن (۲) محسوب کردن (۳) کشف کردن (۴) توسعه دادن

۲۱۴۰. **گزینه ۲** در طول هلوکاست، آنه فرانک هر روز در یک دفترچه خاطرات، وقایع و وحشتی را که هنگام پنهان شدن از دست نازی‌ها احساس می‌کرد، می‌نوشت.

(۱) میل نرم، کلابه (۲) دفترچه خاطرات

(۳) ترجمه (۴) شعر

۲۱۱۳. **گزینه ۲** در سال ۲۰۰۶ نخست وزیر چین ابه نام اون جیابائو ادعا کرد: «من رویای این را دارم که هر چینی و اول از همه کودکان، توان پرداخت پول یک کیلوگرم شیر روزانه را داشته باشند.»

(۱) حداقل (۲) اول از همه (۳) یکبار دیگر (۴) سرتاسر

۲۱۱۴. **گزینه ۱** بیرمرد با مهربانی به همسرش نگاه کرد و گفت: «اما هم مثل خیلی از زوج‌های متأهل، فرزند و نسیب‌هایی داشتیم، اما خب زندگی است دیگر.» (۱) فرزند و نسیب، بالا و پایین (۲) برای مثال

(۳) البته (۴) این گونه، به این روش

۲۱۱۵. **گزینه ۲** هروقت امیدم را از دست می‌دهم به خودم می‌گویم تاوقتی که هنوز زنده هستم، قطعاً با اتفاقات قشنگی در زندگی مواجه خواهم شد.

(۱) به ندرت (۲) قطعاً (۳) عمدتاً (۴) به طور آرام

۲۱۱۶. **گزینه ۱** تحقیق، نگارشی به درون زندگی روزمره میلیون‌ها بومی عادی اهل روسیه را ارائه می‌دهد.

(۱) بصیرت، بینش (۲) حس (۳) صفحه (۴) نصیحت

۲۱۱۷. **گزینه ۴** بهترین درس‌هایی که از اشتباهات و شکست‌های خود در گذشته می‌گیریم، دانایی و موفقیت در آینده است.

(۱) میراث (۲) تأسف (۳) توفیق (۴) خرد، دانایی

۲۱۱۸. **گزینه ۲** او لیخند زد و گفت: «نگران کودکی که حاضر نیست از شما جدا شود نباشید - همه بچه‌ها این مرحله را تجربه می‌کنند.»

(۱) مراقبت کردن

(۲) تجربه کردن، متحمل شدن

(۳) جفت شدن (۴) کنار آمدن، همراه شدن

۲۱۱۹. **گزینه ۳** بعد از این که حمید چنین اشتباهات بدی انجام داد و باعث مشکل زیادی برای شرکت شد، خیلی خوش‌شانس بود که مدیر او را بخشید.

(۱) فراموش کردن (۲) متمایز کردن

(۳) بخشیدن، بخشودن (۴) توصیف کردن

۲۱۲۰. **گزینه ۲** گزارش شامل صد صفحه با جدول‌های گوناگون است. شما باید زمان بیشتری به خواندن چنین گزارش دقیقی اختصاص دهید.

(۱) هدر دادن

(۲) اختصاص دادن

(۳) عوض کردن (۴) گذراندن

۲۱۲۱. **گزینه ۳** برخی از اقتصاددانان در مصاحبه‌ای اشاره کرده‌اند که کاهش نرخ بهره، فشار زیادی به اقتصاد وارد خواهد کرد.

(۱) فقره، رقم (۲) توصیه، نصیحت

(۳) فشار (۴) وظیفه

۲۱۲۲. **گزینه ۴** چه در صدایم یا توصیف حقایق هراس وجود داشت، جکسن به وخامت این که چه چیزی قرار است در دادگاه برای او اتفاق بیفتد، پی برد.

(۱) ارتباط

(۲) مشاهده (۳) ترکیب (۴) توصیف، شرح

۲۱۲۳. **گزینه ۴** سوو از طریق نوشتن کتاب‌های شیمی پول زیادی به دست آورد، اما آن را برای خودش استفاده نکرد. در حقیقت، او از پول برای تاسیس یک گروه تحقیقاتی ویژه استفاده کرد.

(۱) نقش، عملکرد (۲) استخراج، استنباط

(۳) قدردانی، درک (۴) تاسیس

۲۱۲۴. **گزینه ۴** آیا باب فکر می‌کرد که ماری به کمک نیاز ندارد، یا این دلیل دیگری بود که او نمی‌توانست خودش تصمیم بگیرد؟

(۱) مثال، نمونه (۲) نقش، عملکرد (۳) محل، موقعیت (۴) دلیل

۲۱۲۵. **گزینه ۲** اگر می‌خواهی درباره مشکلات با کسی حرف بزنی، فکر می‌کنم دیوید آدم مناسبی باشد. او نسبت به وقتش بسیار سخاوتمند است (وقتش را کاملاً در اختیار شما می‌گذارد). می‌توانید ساعت‌ها با او حرف بزنید.

(۱) مراقب، دقیق (۲) سخاوتمند (۳) جدی (۴) پشیمان

۲۱۲۶. **گزینه ۴** متأسفانه سخنرانی او به نتیجه نرسید و موفق نشد باعث حمایت عموم شود که به آن امید داشت.

(۱) تاسیس کردن (۲) وقف کردن

(۳) متمایز کردن (۴) ایجاد کردن، باعث شدن

به ندرت جایگزین می‌شوند و کارگرها هم نمی‌توانند تولید مثل کنند. مورچه‌ها حشراتی اجتماعی هستند بدین معنی که در کلونی‌ها یا گروه‌ها زندگی می‌کنند.

۲۵۶۱. گزینه ۲

(۱) رئیس‌جمهور (۲) بدن (۳) آلودگی (۴) شکست

۲۵۶۲. گزینه ۱ در جملات شرطی نوع دوم در جمله شرط از were به جای was استفاده می‌کنیم.

۲۵۶۳. گزینه ۲ در جملات شرطی نوع دوم در جواب شرط از فعل ساده + would استفاده می‌کنیم.

۲۵۶۴. گزینه ۴

(۱) عبارات (۲) سفارش‌ها (۳) پیشنهادات (۴) بال‌ها

۲۵۶۵. گزینه ۱

(۱) حشرات (۲) عفونت‌ها (۳) مباحث (۴) سرزمین‌ها

Cloze Test 4

افرادی که به دو زبان صحبت می‌کنند ممکن است مغزهایی داشته باشند که در پردازش کردن زبان و سایر وظایف کارآمدتر باشد. اسکن‌های مغز نشان داده است که افرادی که تنها به یک زبان صحبت می‌کنند مجبورند تلاش بیشتری کنند تا روی یک کلمه مجزا تمرکز کنند، این پژوهش در ۱۲ نوامبر در مجله مغز و زبان منتشر شد. ویوریکا ماریان سرگروه پژوهش - که روان‌شناس حوزه زبان‌شناسی دانشگاه نورث وسترن است - گفت افرادی که دوزبانه هستند به طور مداوم در حال فعال کردن هر دو زبان در مغزشان هستند و انتخاب می‌کنند که کدام را استفاده کنند و کدام را نادیده بگیرند. افراد دوزبانه در اجرای یک وظیفه سریع‌تر از افراد تک‌زبانه نبودند، اگر چه که فعالیت مغزشان به نحوی بارز متفاوت بود و این را اسکن‌ها فاش کردند.

۲۵۶۶. گزینه ۱ قبل از نقطه‌چین اسم انسان آمده و بعد از نقطه‌چین فعل داریم، بنابراین ضمیر موصولی who را انتخاب می‌کنیم.

۲۵۶۷. گزینه ۳

(۱) منتقل کردن (۲) احاطه کردن (۳) منتشر کردن (۴) حمایت کردن

۲۵۶۸. گزینه ۴

(۱) شیرین (۲) ایرانیان (۳) درست (۴) دوزبانه

۲۵۶۹. گزینه ۱ قبل از نقطه‌چین حرف ربط هم‌پایه‌ساز (and) داریم؛ از آنجایی که قبل از این حرف ربط which آمده است، جای خالی هم با which کامل می‌شود.

۲۵۷۰. گزینه ۱

(۱) تک‌زبانه‌ها (۲) پرش‌ها (۳) طراحی‌ها (۴) انفصال‌ها

Reading 1

همان‌طور که ناشران فرهنگ لغت هرگز از یادآوری این موضوع به ما خسته نمی‌شوند، زبان ما مدام در حال گسترش است. انگلیسی‌زبانان با میلیون‌ها کلمه‌ای که در اختیار دارند، هم‌چنان قانع نشده‌اند و در حال اضافه کردن کلمات جدیدی با سرعت ۱۰۰۰ کلمه در سال، به زبان خود هستند. تازه‌ترین فرهنگ لغت شامل کلمات جدیدی مثل blog, grok, crowdfunding, hackathon, air ball, e-marketing, Sudoku, twerk هستند.

اما این کلمات تنها یک قطره از یک اقیانوس را نشان می‌دهد. براساس اعلام اداره نظارت جهانی بر زبان، هر ساله تقریباً ۵۴۰۰ کلمه جدید خلق می‌شود و تنها ۱۰۰۰ کلمه یا کمی بیشتر آنقدر گسترده مورد استفاده قرار گرفته که در فرهنگ لغت چاپ شود. چه کسی و چگونه این کلمات را ابداع می‌کند؟ چه قوانینی شکل‌گیری آن‌ها را کنترل می‌کند؟ و چه چیزی متداول شدن یا تشدن آن‌ها را تعیین می‌کند؟

عمدتاً شکسبیر به عنوان استاد استفاده از واژه‌های نو شناخته می‌شود، زیرا حداقل ۵۰۰ کلمه (همچون critic, swagger, lonely, hint) اولین بار در آثار وی دیده شدند اما به هیچ طریقی نمی‌توانیم تشخیص دهیم که آیا وی شخصاً این کلمات را ابداع کرد یا فقط آن‌چه را که در جایی دیگر می‌شنید، روی کاغذ می‌آورد. اگر دانش ما در مورد این‌که چه کسی این کلمات را ابداع کرده محدود است، اما

چک کردن حالت جمع یک اسم یا زمان گذشته یک فعل فهمیدن سایر اطلاعات دستور زبانی در مورد یک کلمه پیدا کردن مترادف یا متضاد یک کلمه

دنبال هم‌نشین یک کلمه گشتن

پیدا کردن نقش یک کلمه در جمله

فهمیدن چگونگی تلفظ یک کلمه

فهمیدن در مورد گونه کاربرد یک کلمه

پیدا کردن مثال‌های کاربرد یک کلمه در زبان روزمره

با این حال برای این‌که یک کاربر خوب فرهنگ لغت باشید، دانستن این‌که فرهنگ را برای چه چیزی به کار ببرید کافی نیست. هم‌چنین باید تصمیم بگیرید که بهترین فرهنگ لغت برای هر کدام از اهدافی که در بالا فهرست شد، کدام است. به‌علاوه شما نیاز دارید که بتوانید چیزی را که در جستجویش هستید سریعاً پیدا کنید، نیاز دارید مطمئن باشید چیزی که یافته‌اید همان چیزی است که در جستجویش بوده‌اید؛ و از همه مهم‌تر این‌که نیاز است بدانید چه موقع از فرهنگ لغت خود استفاده کنید.

۲۵۵۱. گزینه ۲ قبل از نقطه‌چین اسم انسان آمده است. (حذف گزینه ۱) ایراد گزینه ۳ این است که بعد از he باید فعل به کار می‌رفت. (حذف گزینه ۳) در گزینه ۴ هم با توجه به زمان جمله باید is می‌آمد نه was.

۲۵۵۲. گزینه ۱

(۱) دنبال - گشتن (۲) ادعا کردن (۳) تعمیر کردن (۴) قرض گرفتن

۲۵۵۳. گزینه ۴

(۱) بال (۲) تغییر (۳) گنج (۴) سخن

۲۵۵۴. گزینه ۱ نقطه‌چین را باید با which کامل کنیم.

۲۵۵۵. گزینه ۲ نقطه‌چین را باید با that کامل کنیم.

Cloze Test 2

دوستی یک نوع رابطه بین دو نفر است که به هم اهمیت می‌دهند. اما یک چنین تعریف خشکی، حق مطلب را برای مفهوم دوستی ادا نمی‌کند. این مثال‌ها را در نظر بگیرید: وقتی خبر خوبی می‌شنوید دوست اولین کسی است که می‌خواهید با او تماس بگیرید. یک دوست یادش است که شما با ساندویچتان خیارشور نمی‌خورید. یک دوست با شما در کسل‌کننده‌ترین کارها همکاری می‌کند و کاری می‌کند که آن‌ها سرگرمی به نظر برسند. به بیان دیگر دوستی شگفت‌انگیز است و سخنان زیادی در نقل از فضیلت داشتن دوست ذکر شده است. با این حال این به این معنا نیست که دوستی آسان است. دوستی زمان و زحمت می‌طلبد و نیازمند این است که افراد گاهی دیگران را در اولویت قرار دهند اما برای انجام چنین کاری، یک دوست می‌تواند مقدار بسیار زیادی حمایت و تسلی خاطر در زمان خوشی و ناخوشی فراهم نماید.

۲۵۵۶. گزینه ۴ اسم قبل از نقطه‌چین (people) جمع است، بنابراین گزینه ۲ حذف می‌شود. زمان جمله حال است و به همین دلیل گزینه ۱ نیز حذف می‌شود. گزینه ۳ هم که از کاملاً غلط است.

۲۵۵۷. گزینه ۴

(۱) راهنمایی (۲) تکنیک (۳) نماد (۴) تعریف

۲۵۵۸. گزینه ۱ نقطه‌چین را باید با that کامل کنیم.

۲۵۵۹. گزینه ۲

(۱) دسترسی داشتن (۲) فراهم کردن (۳) مرتب کردن (۴) احاطه کردن

۲۵۶۰. گزینه ۳

(۱) موقعیت (۲) سخن (۳) حمایت (۴) هجی

Cloze Test 3

بیش از ۱۲۰۰۰ نوع مورچه در سرتاسر دنیا وجود دارد. یک مورچه می‌تواند ۲۰ برابر وزن بدن خودش را بلند کند. اگر یک دانش‌آموز سال دوم به قدرتمندی یک مورچه بود، قادر می‌بود یک انومبیل را بلند کند! برخی از مورچه‌های ملکه می‌توانند سال‌های زیادی زندگی کنند و میلیون‌ها بچه داشته باشند! مورچه‌ها گوش ندارند. آن‌ها با احساس لرزش‌های به وجود آمده در زمین به وسیله پاهایشان می‌شنوند. زمانی که مورچه‌ها می‌جنگند، معمولاً تا آخرین نفس می‌جنگند! هنگام جستجو کردن یک ردی از فرومون به جا می‌گذارند تا بدانند که کجا بوده‌اند. مورچه‌های ملکه بال‌هایی دارند که هنگام ساختن لانه جدید می‌ریزند. ملکه‌ها

لندن طی این سال‌ها ۸ برابر شد. با نگاهی به گذشته، می‌توان گفت که افزایش دسترسی به کتاب‌ها و سایر موارد چاپ شده با پیشرفت دوره مورد نظر، همراه با ظهور مدرسه گرامر به عنوان مرکز آموزش (به ویژه برای پسران)، امکان‌پذیر گشت که به این معناست که صحنه برای ظهور فرهنگ لغت انگلیسی مهیا شد.

فرهنگ لغت دوزبانه قبل از فرهنگ لغت تک‌زبانه هم در انگلیس و هم در قاره اروپا رواج یافت که پاسخ‌گوی یک نیاز کاربردی و فوری بود. مثال‌های مهم آن در اروپا شامل این فرهنگ لغت‌ها بود: فرهنگ لغت سر توماس الیوت (۱۵۳۸)، یک فرهنگ لغت لاتین-انگلیسی که طی قرن ۱۶ چندین بار تجدید چاپ شد، فرهنگ لغت فرانسه و انگلیسی کلادبوس هالی‌بند (۱۵۹۳) و فرهنگ لغت ایتالیایی-انگلیسی جان فلوریو که جهان کلمات (۱۵۹۸) نام داشت.

اولین کتابی که عموماً به عنوان اولین فرهنگ لغت انگلیسی شناخته شد توسط رابرت کودری نوشته شد که یک مدیر مدرسه و کشیش سابق کلیسا در انگلستان بود، وی در سال ۱۶۰۴ از فهرست کلماتی استفاده کرد که قبلاً در کتاب‌های آموزشی نوشته شده بود همچون فهرست ابتدایی ریچارد مولکاستر (۱۵۸۲) و «معلم انگلیسی» (۱۵۹۶) نوشته ادmond کوت.

۲۵۷۵. گزینه ۴ نویسنده به تغییرات رخ داده در زبان انگلیسی اشاره می‌کند تا

(۱) برای اثبات رکورد های فراگیر بودن OED

(۲) تا درباره تعداد کلمات در دسترس در انگلیسی صحبت کند

(۳) تا تعداد دقیق کلمات قرض گرفته شده را بگوید

(۴) تا دوره تغییرات عظیم در زبان انگلیسی را معرفی کند

۲۵۷۶. گزینه ۴ طبق پاراگراف ۲ کدام یک در مورد تغییرات مهم جمعیتی در انگلستان ذکر نشده است؟

(۱) فرهنگ شهری شده براساس شهرهای بزرگی همچون لندن: جمعیت لندن طی این سال‌ها هشت برابر شد.

(۲) افزایش دسترسی به کتاب‌ها و سایر موارد چاپ شده با گذشت زمان.

(۳) ظهور مدرسه گرامر برای تمرکز بر آموزش به این معنا بود که صحنه برای ظهور دیکشنری انگلیسی مهیا شده است.

(۴) رواج فرهنگ لغت‌های دوزبانه قبل از فرهنگ لغت‌های تک‌زبانه هم در انگلیس و هم در اروپا

۲۵۷۷. گزینه ۲ در کدام یک از پاراگراف‌ها، نویسنده از مثال برای تفهیم بهتر اهمیت فرهنگ لغت جدیدی که ترجمه یا توضیحی به زبان دیگر ارائه می‌دهد، استفاده کرده است؟

(۱) فقط در پاراگراف ۱

(۲) فقط در پاراگراف ۳

(۳) فقط در پاراگراف ۴

(۴) فقط در پاراگراف ۲

۲۵۷۸. گزینه ۱ آنچه کانون توجه پاراگراف ۴ را از ۳ پاراگراف اول متمایز می‌سازد این است که این پاراگراف به فرهنگ لغت مکتوبی می‌پردازد که

(۱) از فهرست‌های لغتی که در متون آموزشی قبلاً چاپ شده‌اند استفاده کرده است

(۲) به عنوان آخرین فرهنگ لغت که برای افراد چاپ شده در نظر گرفته شده است

(۳) اولین و مهم‌ترین فرهنگ لغت که تا به حال بشر نوشته محسوب می‌شود

(۴) طی قرن ۱۶ چندین بار تجدید چاپ شده است

Reading 3

آلبرت انیشتین هرگز خیلی به دریافت جوایز و افتخارات فکر نمی‌کرد، این شامل جوایز نوبل هم می‌شود جوایزی که از سال ۱۹۰۱ پایه‌گذاری شد، یعنی درست زمانی که انیشتین تحقیقاتش را در فیزیک شروع کرد. انیشتین در سال ۱۹۰۵ و در ۲۵ سالگی مسیر ترقی به سوی برتری علمی و شهرت جهانی را آغاز کرد؛ مسیری که با ارائه پروپوزال نظریه نسبیت و هم‌چنین مقاله «انقلابی‌اش» در مورد ویژگی‌های خاص نور، کارهای بنیادی‌اش در مورد جنبش مولکولی و نهایتاً معادله مشهور $E = mc^2$ طی شد وی در سال ۱۹۱۰ اولین بار برای دریافت جایزه نوبل نامزد شد و پس از آن نیز بارها توسط چندین فیزیکدان نامزد دریافت این جایزه شد، تا این که بالاخره جایزه ۱۹۲۱ را (که در سال ۱۹۲۲ به وی اهدا شد) برد. جالب است بدانید که وی این جایزه را برای مشهورترین دستاوردش یعنی «نظریه نسبیت» که آن زمان برای دریافت جایزه نوبل بی‌یاکانه و غیرمطمئن به نظر می‌رسید، نبرد. در عوض به خاطر پروپوزالش در مورد قانون تأثیر فوتوالکتریک

درک کامل تری از نحوه ابداع آن‌ها داریم. همه کلمات جدید از طریق یکی از ۱۳ روش ابداع کلمه جدیداً خلق می‌شوند که چهار روش آن در ادامه می‌آید:

۱. اشتقاق

رایج‌ترین روش خلق کلمه جدید این است که به لغتی که در حال حاضر وجود دارد یک پیشوند یا پسوند اضافه شود، مثل realization (۱۶۱۰)، democratize (۱۷۹۸)، detonator (۱۸۲۲)، preteen (۱۹۲۶)، hyperlink (۱۹۸۷) و monogamist (۲۰۱۱).

۲. اشتقاق معکوس

بر عکس روش قبلی است: خلق ریشه جدید کلمه یا حذف وند برای مثال «اسم» sleaze در سال ۱۹۶۷ از کلمه sleazy گرفته شد. در مورد کلمات pea, liaise، donate و entuse، agresس نیز همین پروسه دخالت داشته است. بعضی زبان‌شناسان برای لغت‌سازی یعنی اضافه کردن یک وند به یک کلمه همچون «ism, ology, teen» دسته‌بندی مجزایی ارائه داده‌اند، اما این در واقع نوعی اشتقاق معکوس است.

۳. نام‌آوا

خلق کلمه از طریق تقلید از صدایی که تولید می‌کند. plop, ow, barf cuckoo، bunch, bump و midge همه به این صورت شکل گرفته‌اند.

۴. واژه‌های غیر کلامی

کلماتی که هیچ منشائی ندارند و به کلمات موجود هیچ ربطی ندارند. مثال‌های تایید شده آن کم است، اما شامل quark (ماری گل - من)، bling (ناشناس) و fleck (کاپلا فیومن) می‌شود. آسامی داخل پرانتزها نام مبدعان این کلمات است.

۲۵۷۱. گزینه ۱ نویسنده در پاراگراف ۲ به قطره‌ای از اقیانوس اشاره کرده است تا

(۱) تعداد فراوان کلماتی که وارد زبان انگلیسی شده را نشان دهد

(۲) تا اطلاعاتی درباره تعداد دقیق کلمات جدیدی که هر ساله ابداع می‌شود ارائه دهد

(۳) تا به خواننده اجازه دهد تا در مورد افرادی که این کلمات جدید را ابداع می‌کنند مطلع شود

(۴) تا به خواننده درباره قوانینی که شکل‌گیری کلمات تازه را کنترل می‌کنند بگوید

۲۵۷۲. گزینه ۲ براساس پاراگراف ۳، اغلب شکسپیر به عنوان استاد استفاده از کلمات جدید شناخته می‌شود زیرا

(۱) وی شخصاً تعداد زیادی از کلمات جدید را خلق کرده

(۲) بسیاری از کلمات اولین بار در آثار وی دیده شدند

(۳) وی تنها کلماتی را که در جاهای دیگر شنیده بود روی کاغذ می‌آورد

(۴) نمایش‌نامه‌های وی به بیش از ۵۰ زبان ترجمه شده بود و این کار می‌توانست کلمات تازه بسیاری را وارد زبان انگلیسی سازد

۲۵۷۳. گزینه ۴ نویسنده معتقد است که درک ما از

(۱) نحوه خلق همه کلمات جدید محدود است

(۲) ما درک کامل تری از این که چه کسی کلمات جدید را خلق کرده است داریم

(۳) دانش ما از کلمات تازه ابداع شده کامل است

(۴) نحوه ساخته شدن کلمات و این که چه کسی آن‌ها را ساخته است کامل نیست

۲۵۷۴. گزینه ۴ کدام یک از جملات زیر روش به کار رفته در تبدیل یک وند به یک کلمه را بهتر توضیح می‌دهد؟

(۱) واژه‌های غیر کلامی

(۲) اشتقاق

(۳) نام‌آوا

(۴) اشتقاق معکوس

Reading 2

اولین دوره مدرن برای زبان انگلیسی دورهای از تغییرات عظیم بود براساس آن چه در OED ثبت شده، تعداد کلمات «در دسترس» برای انگلیسی‌زبانان بیش از حدود ۱۵۰۰ و ۱۶۵۰ کلمه بوده است. بسیاری از کلمات جدید از زبان لاتین یا یونانی دوره رنسانس (برای مثال hypotemuse) یا از کشورهای دور دستی که مسافران و تجار از آن دیدار می‌کردند (مثل pangolin) قرض گرفته شده و وارد زبان انگلیسی شده است و به نظر می‌رسد درک آن‌ها برای بسیاری از افراد کار سختی بوده باشد. در عین حال در بریتانیا تغییرات جمعیت‌شناسانه مهمی به سمت فرهنگی شهری که براساس شهرهای بزرگی همچون لندن شکل گرفته بود، در جریان بود؛ جمعیت